

تتبع ونگارش: کریستین فریدریش اوسترم (Christian F. Ostermann).
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

شواهد جدید در مورد جنگ افغانستان

New Evidence on the war in Afghanistan

قسمت سوم

ظبط یک گفتگو «میخایل سرگیویچ گرباچف»
با رهبر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان با رفیق «نجیب» مورخ «20»
جولای سال «1987» «فشرده و گلچین».

منبع: بنیاد گرباچف تهیه و تدارک توسط اناتولی چرنیوف برای (CWIHP)
وترجمه توسط گاری گولد نبرگ

میخایل سرگیویچ گرباچف: من به نماینده گی از رهبری اتحاد جماهیر شوروی تشریف
آوری شما را به مسکو خوش آمدید میگویم - رفیق «نجیب» سفر شما اینجا به مسکو
کاملاً سفر به موقع است از اینکه ما باشما پیرامون موضوعات مورد علاقه دوطرف
به بحث و تبادل نظریات می پردازیم.

نجیب: من میخواهم از فرصتی که بفرصت بازدید و دیدار شما میخایل سرگیویچ
و اعضای رهبری اتحاد جماهیر شوروی بمن داده شده است از شما و هیئت رهبری اتحاد
جماهیر شوروی اظهار سپاس و قدردانی نمایم. و یکبار دیگر از اینکه شما و رفقای تان وقت
گرانبهای خود را به بحث روی مشکلات افغانستان اختصاص داده اید اظهار تشکر نمایم.
دیدار و مذاکرات ما به بصفت یک سنت و عنعنه ای خوب برای کار حزب دموکراتیک
ور رهبری دولت افغانستان از اهمیت بسزای برخوردار است؛ و از نظر ما این بازدید و
ملاقات امروزی ما با شما مظهر اراده نیک و توجه دایمی شما نسبت به مسایل افغانستان

وانقلاب افغانستان است وبادر نظر داشت همین اصل و دلیل من از تدویر کننده گان و سازمان دهندگان این جلسه ای بزرگ و با عظمت که بخاطر بازدید کوتاه ومختصر من به مسکو تدارک دیده اند با افتخار و قدردانی ابراز تشکر می نمایم - لذا بمن اجازه دهید که نظریات خود را باشما در مورد اوضاع نظامی - سیاسی و وضعیت کنونی در افغانستان و در مورد برنامه های کار آینده ما و رهنمودهای بخاطر عادی سازی کار به اشتراک گذارم . با استفاده از فرصت و به اجازه شما و با رعایت سنن پذیرفته شده نخست از همه آنچه را که من در این نوشته و گذارش خود گرد آورده ام آنرا بشما تقدیم مینمایم و من در این گذارش خود تلاش بخرچ داده ام که بروی موضوعات کلیدی کمی مکث نمایم (دست گذاشتن بروی مواد).

میخایل سرگیویچ گرباچف: تشکر از شما؛ همانطوریکه ما از نزدیک نوشته ها و یادداشت های شما را مطالعه کرده ایم همان قسمیکه شما میدانید رفقای ما در کابل بطور منظم و مرتب مسکورا از نظریات و آرازیابی های شما پیرامون موضوعات و مسایل و رخداد های روز مطلع میسازند . بهر صورت چنین به نظر می رسد که این مواد تهیه دیده شده شما بما این فرصت و اجازه را میدهد که به ارتباط موضوعات زیربسط و کلیدی نظریات شما را که چقدر قرین به واقعیت است و چه چیزهای رفقای ما از کابل در نظریات و در گذارشات خود می افزایند مورد آرازیابی ما قرار میگیرد و ما در روشنایی موضوعات جاری میگذارد.

نجیب: آنها چیز های را اضافه نمیکند بلکه آنها یادداشتها و گذارشات را غنا می بخشند لذا اولاً من میخواهم که به تحلیل و تجزیه نخستین نتایج بدست آمده از پیاده کردن سیاست اشتی ملی و مشکلاتی که ما در راه ترویج این پالیسی به آن مواجه شدیم بپردازم و صحبت خود را در مورد وظایف فوری و تاخیر ناپذیر حزب بخاطر اشاعه پالیسی آشتی ملی شامل در حوزه وساحه سیاسی نظامی و کار اقتصادی و با مواجه شدن با چندین مشکل و پیرابلم های از فعالیت در ساحه بین المللی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری افغانستان متمرکز سازم .

در حال حاضر آنچه که قبل از همه مورد توجه هیئت رهبری حزب و دولت افغانستان است همانا مسایل و موضوعات نا امنی است که با وجود آنها اجرا و تحقق بی قید و شرط پالیسی و توسعه آشتی ملی در تمام ساحات کاری اعم از سیاسی ؛ اقتصادی ؛ نظامی و ایدئولوژیکی میباشد و در پهلوی همچو وظایف ذکر شده تجربه بما نشان میدهد که این همه وظایف متراکم گرچه در مبارزه با ضد انقلاب و دفاع از دستاوردهای انقلابی و عادی سازی اوضاع ناچیز است ولی با آنها بدون پیاده کردن پالیسی آشتی ملی دیگر هیچ گزینه ای در اوضاع و احوال کنونی کشور ما بخاطر قطع جنگ و خونریزی وجود ندارد پذیرش این همه نا بسامانی ها از هر جهت مهم و قابل تذکر است از اینکه از کار

و فعالیت های ما در دوره های گذشته متقاعد گردیدیم که راه نظامی راه حل مشکل افغانستان نیست و من در چندین صحبت های خود بر این اصل مکث نموده ام که ما نمیتوانیم از راه نظامی این جنگ فرسایشی را متوقف سازیم .

یک میکانیزم سازنده بخاطر تحقق و پیاده سازی پالیسی آشتی ملی روی دست گرفته شده است و آن اینکه برای پیشبرد و نظارت از کار و فعالیت تحقق همچو پالیسی کمیسیون های کاری با داشتن اعضای بیش از ده هزار نفری در سراسر کشور موظف ساخته ایم آنچنانیکه این اعضای ده هزار نفری با جمیع غفیری بیش از دهها هزار نفر از میهن پرستان و از جمله با شورشیان در تماس قرار گرفته اند و به ترویج و اشاعه این پالیسی آنطوریکه است پرداخته اند و بکار خود ادامه میدهند- این کمیسیون ها را میتوان بعنوان سازمانهای موقت از مقامات محلی با ساختار مشخص بگونه ای همچو یک ائتلاف بویژه پنداشت قابل تذکر میدانم و آن اینکه بعد از اعلام سیاست مصالحه و آشتی ملی از مجموع (164000) مردان و شورشیان ؛ بیش از (15) هزار آنها بطور آشکار به دولت رو آورده و در صفوف دولت پیوسته اند و از فعالیت ها گذشته ای خود دست کشیده اند و در کنار آن همین اکنون بیش از (600) گروه با جمعیت در حدود (53000) مردان و شورشیان در حال مذاکره با دولت هستند و از سوی هم در حدود (50000) از شورشیان دیگر در حال ترصد و انتظار اوضاع هستند تا ببینند که در آینده چه واقع میشود- رویهمرفته طوریکه قبلاً نیز به آن اشاره کردیم هسته ای اصلی اپوزیسیون (40000) نفری آشتی نا پذیر در مقام اقدامات بهی خواها نه ای در ارتکا به تا مین قدرت مردمی از خود مقام و مت نشان میدهند .

روند بازگشت پناهندگان به دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان افزایش یافته است که تا همین اکنون بیش از (60000) نفر به آغوش میهن در محلات مختلف کشور بازگشت نموده اند و اگر پاکستان و ایران در راه عودت آنها به وطن موانع خلق نکند تعداد بازگشت کنندگان به وطن با گذشت هر روز زیاد و بیشتر میگردد.

اعلامیه پالیسی آشتی ملی موجب نگرانی و تعجب عمیق مخالفین و ضد انقلاب قرار گرفته که به تاسی از آن در صفوف ضد انقلاب بویژه در بین تنظیمهای جهادی هفت گانه بگونه ای غیر قبل با ورکردنی انشعاب و چندگانگی را بوجود آورده است و بویژه این سیاست مصالحه ملی مانع تشکیل حکومت ائتلافی موقت جلالی وطن و یا دولت در تبعید شده و یا اینکه تمایل به سوی تقسیمبندی بین دومین رده های ضد انقلاب را موجب گردیده است و این چندگانگی و انشعابات در وسط گروه رهبری گروه های ضد انقلابی و سازمانها در افغانستان در بالاترین سطح واقع شده است چنانچه که این تمایلات انشعابی و چندگانگی در بین ضد انقلابین مسکون در پاکستان نیز احساس شده است .

پس در یک کلیمه میتوان گفت که تمایل و علاقه به شرکت در روند پالیسی آشتی و مصالحه

ملی در اردوگاه های مخالف رو به رشد است ؛ این نگرش سازمانهای ضد انقلابی به سمت شاه سابق (ظاهرشاه) که او نیز تمایل به پالیسی آشتی ملی دارد حاکی از همین احساس است . ویا میتوان گفت که گرایش به سمت پادشاه سابق منحصر بقدر همچو آزمون لکتوم (آزمون لکتوم) (Litmus Test) = آزمونی که در آن یک عامل واحد «مانند یک نگرش ؛ واقعه ؛ یا واقیعت» تعیین کننده می باشد.... ازویکی پیدیا توسط این قلم (است که بادر نظر داشت موقیعت واقعی یک بار دیگر گروه ضد انقلاب اشکار میشود. اما در هر صورت چیزی قابل توجه این است که تعداد از مخالفین جدی شاه سابق مخالفان وعمدتاً راستگرایان ارتجاعی هستند و آنها طوری می اندیشند که به ظهور شاه در این مرحله حساس سیاسی ضربه جدی به برنامه از قبل تنظیم شده ضد انقلابیون در افغانستان وارد میشود.

میخایل سرگیویچ گرباچف: این نیروها در هر جهت تلاش بخرچ میدهند که اهمیت ونقش احتمالی این شخص منحصر بفرد (ظاهرشاه) را کاهش دهند یعنی که از مجاهدت شاه سابق در دستنیا بی به پالیسی آشتی ملی که او خودش درین روند بسیار محتاطانه سهم میگیرد موانعی را بوجود آورند.

نجیب: نکته اصلی این است که سیاست آشتی ملی بمثابه ای یک کاتالیزور منحصر بفرد برای قاطبه جمعیت چنان احساس وعواطف را بخشیده است که آنها با توانمندی ونیروی در دست داشته ای خود در پی تقویت اقدامات حزب دموکراتیک افغانستان ودولت جمهوری افغانستان با اعتماد به نفس بسیج شده اند زیرا چون سیاستی را که حزب دموکراتیک خلق افغانستان ترویج مینماید از طرف اکثریت قریب به اتفاق مردم افغانستان حمایت میشود چونکه این سیاست در پی برآورده شدن منافع ملی کشور می باشد ؛ اما از سوی دیگر میتوان خاطر نشان ساخت که در روند اجرا وتحقق پالیسی مصالحه ملی اغلب ذخایر شناسایی شده توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان مورد استفاده قرار نمیگیرد از جمله توسط آنها یک در صد افزایش بیشتر قدرت فردی خود می باشند.

میخایل سرگیویچ گرباچف: آیا شما در مورد این پرسش فکر کرده اید ؟ از اینکه پایه واساس آشتی ملی با توجه به تنوع زیادی از نگرشها منافع و گرایشهای موجود در جامعه چیست ویا به روی کدام پایه ها استوار است ؟

نجیب: بلی البته که ما در این مورد عمیقاً فکر کرده ایم ؛ وآن اینکه به نظر ما اکنون زمینه وشرايط وامکانات وسیع برای نقش بازی کردن حزب دموکراتیک خلق افغانستان در جامعه میسر گردیده است اما باید اذعان کرد که این نقش را نباید به هیچ وجه نارس ونادرست بازی کرد ویا این نادرست خواهد بود اگر گفته شود :که سیاست آشتی ملی چنان نتایج قابل ملاحظه وبرگشت ناپذیری را به ارمغان آورده است ویا به ارمغان

می آورد و آن اینکه دشمنان ما بعد از اعلام سیاست مصالحه ملی نه تنها که به جنگ وجدال علیه ما و حزب ما توقف میکنند بلکه لبه تیز مبارزه خود را علیه سیاست مصالحه ملی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهور افغانستان متوجه میسازند و به جنگ وجدال خود شدت می بخشند و از جانب دیگر واشنگتن و متحدان منطقوی آن همچنان به تنش جنگ سرد در افغانستان و در اطراف آن دست به اجرای عملیات ها گسترده تری خواهند زد ، و با تا سف باید خاطر نشان ساخت که کشور ما اکنون به میدان تاخت و تاز فعالیت های تروریسم مبدل شده است که در این بازی ایالات متحده امریکا نقش عمده را بازی میکند و در حمایت از طرفداران خود ضربه اصلی را بر پیکر حزب دموکراتیک خلق افغانستان میزند و از سیاست ترور و تروریزم در منطقه حمایت میکند. آنطوریکه تا حال فهمیده شده است ؛ از ماه می همین سال جاری به دستور کاخ سفید مخالفین مردم و دولت افغانستان برنامه ای برای ایجاد (شورای ملی مجاهیدین) را با اکت و عملکرد یک دولت موقت یا دولت انتقالی روی دست گرفته اند ، این واکنشگرایان یا مخالفین ما تلاش بخرج میدهند تا از اعتبار حزب دموکراتیک خلق افغانستان و از سیاست مصالحه ملی این حزب در بین مردم افغانستان بکاهند و با در نظر داشت همین اصل این نیروهای واکنشگرا به این مفکوره اند که با اغتنام فرصت بگونه تدریجی نخست سیاست مصالحه ملی را از حزب مجزاسازند و بعداً بصورت کلی سیاست مصالحه را خنثی ساخته و از بین ببرند.

میخا یل سرگیویچ گربا چف: به عباره دیگر آنها در مورد برگزاری و یا ایجاد «شوراها» اما بدون «کمونیست ها» صحبت میکنند یعنی برای یک افغانستان بیطرف و مستقل اما بدون اشتراک حزب دموکراتیک خلق افغانستان .

نجیب: دلایل ذهنی برای مشکلات کنونی وجود دارد و لازم است که بطور اشکار انتقاد پذیر باشیم از اینکه حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا کنون به نوبه خود در این سمت و سو حرکت فعال نکرده است و اگر این سیاست تا هنوز پیاده هم شده است پیشرفت ها در آن ناکافی بوده است و هم برای حل مسله و ایجاد شرایط ممکنه مساعد برای خروج سربازان شوروی از افغانستان حتی در حلقات بالایی حزب و دولت کار مثمیری صورت نگرفته است و تا هنوز که هنوز است در نزد بعضی از آنها تنگ نظری ها و عدم ابتکار عمل ، و عدم تمایل به رها نیدن خود از اشتباهات قبلی و محافظه کاری وجود دارد . و این یک واقعیت انکارنا پذیر است که در سازمانهای محلی حزب و در میان مردم افغانستان در اولسوالی ها و علاقدهاریها کار لازم و درست انجام نشده است چنانچه برای ثبوت این ادعا میتوان نتایج از کنگره ماه جون پلینوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را بشکل نمونه در اینجا تذکر داد .

میخا یل سرگیویچ گربا چف: آیا اینطور نیست که برخی از رفقای رهبری حزب

دموکراتیک خلق افغانستان به نسبت منافع وآسوده حالی و خودخواهی های خود تا حال منافع مردم افغانستان را شناسایی نکرده اند؟

نجیب: بلی این واقعاً درست است .

میخایل سرگیویچ گرباچف: در اینجا این پرسش مطرح میشود و آن اینکه چرا هیچ یک از رفقا نظر خود را به ارتباط پالیسی ایجاد یک دولت ائتلافی ابراز نمیدارد؟ ممکن است که گسترش پایگاه اجتماعی این گونه دولت را تهدیدی به موقف و حالت خود احساس نمایند؟ حالانکه یک انقلابی واقعی کسی است که قبل از همه چیز در مورد کشور خود فکر کند چونکه سرنوشت او با وطن اش گره خورده است، پس اگر در او چنین احساسی وجود نداشته باشد میتوان گفت که او عمداً و یا خود نا آگاه در راه فرایند ورود مصالحه ملی دخالت میکند؟ پس در این ارتباط پرسشی بوجود می آید و آن عبارت از مسولیت تاریخی رهبری حزب دموکراتیک افغانستان در قبال مردم خودشان است بویژه با توجه به سیاست مصالحه ملی و حل و فصل پرابلم های سیاسی تحت شرایط خروج عنقریب سربازان شوروی .

نجیب: من کاملاً در توافق با شما هستم . این باید اشکار شود و آنرا باید قبول کرد همانطوریکه قبل از این احساس و روحیه نیک بشکل روتین در کار و در شعارها و در جملات ما وجود داشت ولی اکنون کنترل در حل سریع مشکلات مبرم و اجرای اقدامات برنامه ریزی شده ناکافی سازمان دهی شده است ، دسپلین اجرایی هنوز در سطح نازل قرار دارد، بوروکراسی حزب و دولت اغلباً کمبود ابتکار عمل را نشان میدهند که این رامیتوان بگونه مثال نشان داد و آن اینکه همه چیز در راه حل مشکلات به بحران روبرو است ، کمک به دهقانان، عرضه خدمات صحی و دیگر نیازمندیهای دارای اولویت اول جامعه بطور کامل قابل درک است که به آن رسیدگی نشده است و این خود انعکاسات منفی بر اقتدار حزب دموکراتیک خلق افغانستان میگذارد .

میخایل سرگیویچ گرباچف: در اینجا چنین میتوان گفت که دوسطح و یا تراز حل مسئله وجود دارد- تراز و یا سطح بلند آن اتخاذ تصمیماتی است که منافع همه گروهها و بخشها و یا سکتورهای جمعیت را تاحد امکان برآورده سازد و راه را برای حمایت مردم از این منافع در تحت شرایط خاص کنونی افغانستان هموار سازد - اگر چنین خواسته برآورده شود پس آنوقت است که خود مردم بطور فعال در راه رسیدن به این خواسته شرکت فعال خواهند کرد و در انتظار برداشتن قدم ها در مراحل مختلف توسط نهاد های دولتی نخواهند نشست . سطح و یا گزینه ای دوم حل مسئله ، تصمیمگیری عملی و فعال کسانی است که مسولیت اجرای سیاست دولت را بدوش دارند مثل نهاد های حزبی و دولتی که بخاطر پیشبر کار خود نیاز به حمایت مردم بخاطر تامین منافع آنها دارند که مردم را باید فرا خوانند پس بادر نظر داشت این دوگزینه فوق مهم بودن علاقه ما در این رابطه چه است؟

ویا چه چیزی در این مورد برای ما مهم است؟ بلی - شاید که بعضی ها در تصویب این تصمیمگیری های لازم در بالاترین سطح از موقف خود دخالت کند و یا شاید که اتخاذ همچو تصمیمات برای آن ها غیر قابل درک باشد - لذا مهم است که ما باید این موضوع را کاملاً درک کنیم .

نجیب : تصمیمگیری ها بصورت خاص و درست صورت میگیرد، آنها یعنی مجریان امور افزون بر آن در بدست آوردن حمایت از مردم که بصورت دواطلبانه آماده گی شان را نشان میدهند نیاز به درک بیشتر تجربه دارند تا که بشکل فعال بتوانند در اجرای کار خود جاده را برای سهمیگری از حمایت مردم هموار سازند و نهادهای دولتی در سطح محلی گامهای خاصی باید برای تحقق این خواسته بردارند- اما وقتی که انتظار کار خاصی از سطوح بالاتر از دولت و دیوان سالاری حزب برای اجرای تصمیمات لازم برده میشود آنوقت است که ما در اجرای روند کارهای خود مواجه به کندی میشویم. تنبلی ناتوانی در کار، نبود عشق به نظم و یا روال کار و عدم درک از مشکلات موجود موضوعاتی است که چند تن از اعضای هیئت نظارتی مواجه به آن شده اند، اجرای انضباط ضعیف است و در شرایط کنونی چنین به نظر میرسد که رهبری خود نمونه ای از تسلیم شدن به همچو ناهنجاری ها است یعنی رهبری که به مثل نمونه در رسیدن به این اهداف فداکاری نماید که متأسفانه تا کنون همچو فدا کار صورت نه گرفته است و آنهم عمدتاً به علت درگیر ماندن در تفکر گروهی و فساد اداری .

میخایل سرگیویچ گربا چف : اگر تصمیمات اتخاذ شده در حال حاضر نتواند بر منافع مردم و از جمله بر خواسته های دهقانان تاثیر گذارد یعنی که منافع مردم را تامین نه نماید پس در آن صورت هیچ بوروکرات قادر به انجام کاری نخواهد بود و برعکس اگر تصمیمات اتخاذ شده طرف علاقه مردم (جامعه) قرار گیرد آنوقت است که در همه ساحات تکانه و تحرک رونما خواهد شد ؛ من میخواهم به ارتباط این موضوع یک مثال تاریخی را بگونه نمونه در اینجا پیشکش نمایم : و آن اینکه **چرا حکم و دستور لینن** در رابطه به زمین اجرا شد؟ که در غیر آن اعلامیه ای مبنی بر استحکام قدرت شوروی تا اکنون بعید بود که استقرار می یافت و این دهقانان بودند که در قبال این دستور و حکم لینن بغرض تحقق و انطباق آن از خود واکنش مثبت نشان دادند و مفاد فرمان را در عمل پیاده کردند .

فلذا من میخواهم به روی این موضوع تاکید کنم و آن اینکه اگر یک تصمیم خاص بالای منافع یک کسی تاثیر گذارد یعنی تصمیم بخاطر بر آورده شدن منافع آن کس باشد پس میکائیزم (برای تحقق آن حکم و یا تصمیم) اجرا شدنی است ولی اگر تصمیمات منافع کس و یا کسان را تامین نکند پس در آن صورت کاری از پیش برده نخواهد شد ، لذا در این صورت حکم و یا مصوبه ای که اگر بدون در نظر داشت منافع اکثریت مردم تنها

بخاطر منافع گروه و یا گروه‌های از مردم توسط حزب دموکراتیک خلق و دولت جمهوری افغانستان تصویب شود به هیچ وجه موثر نخواهد بود.

نجیب: من میتوانم در این مورد بگویم که سیاست مصالحه ملی در بین مردم نسبت به صفوف حزب دموکراتیک خلق افغانستان واکنش مثبت و سروصداها ی گرم ایجاد کرده است ، متأسفانه باید بعرض برسانم که فعالیت حزب از وضعیت و اوضاع موجود نسبت به واکنش مردم ضعیف و عقب مانده است .

میخایل سرگیویچ گرباچف: شاید که واکنش ها در حزب متنوع باشد - مثل کسانی که تلاش بخرج میدهند تا در روند اجرای کارشان همه چیزها طبق میل شان باشد و یا آنها را رضی نگهدارد با این حال بدیهی است که در اینصورت در سطح رهبری به نسبت از دست دادن امتیازات حزب دموکراتیک خلق افغانستان تحت شرایط خاص سیاست مصالحه ملی از خودنگرانی نشان میدهند و این نگرانی شاید که بخاطر سرنوشت حزب نباشد بلکه ممکن ما به نگرانی آنها از دست دادن موقف و منافع شخصی شان باشد .

نجیب: من با اظهارات و بیانات شما موافق هستم .

میخایل سرگیویچ گرباچف: همه چیزها بروی همین کار می چرخد .

نجیب: ما به ارتباط و وظایف حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان برای اجرای سیاست آشتی ملی با توجه به وضعیت فعلی کشور اندیشیده ایم و در قدم اول از همه ما سعی و تلاش های فعال خود را در دفاع از دستاوردهای انقلاب متمرکز ساخته ایم و بویژه با توجه به اینکه ما وارد مرحله جدید از سیاست مصالحه ملی شده ایم- بنأ امروز کارهای پیچیده و حیاتی جدید در دستور کار ما قرار میگیرد که حزب آن را باید در مدت کوتاه حل و فصل نماید لذا در این رابطه به نظر ما سمت و سواصلی کار ما باید در موارد ذیل باشد:

من فکر میکنم و لازم میدانم که ما باید فشار بیشتر کار خود را بالای دشمن با تاکیدات بر افزایش تماس با طرف های مخالف و مختلف دولت اعم از سلطنت طلبان ، میانه روها نمایندگان از بورژوازی بزرگ و متوسط روحانیت و رهبران و بزرگان قبیله بیاندریم . ما باید چنین اقدامات خاصی را توسعه داد و اجرا کنیم ؛ اقداماتی را که تسهیل کننده بیان از غیر قابل برگشت سرشت به روند آشتی ملی است که همچو اقدامات ما موجب ترس و هراس دشمن میگردد .

یکی از زمینه های اصلی کارگسترش اشکال قدرت در همه سطوح از ایتلاف است . وظیفه ایجاد یک بلوک از نیروهای دموکراتیک چپ در یک پلت فرم ؛ بمنظور حمایت از سیاست مصالحه ملی، شامل همه نیروهای میهن پرست در تحت شعار دفاع از استقلال و حالت عدم انسلاک افغانستان و تقویت دوستی با اتحاد جماهیر شوروی در خط مقدم

پیشرفت و ارتقا می باشد. با این ترتیب نیروی های دیگری که در این بخش می خواهند سهم فعال گیرند؛ نباید که آنها را از سهمگیری شان محروم سازیم؛ در این صورت است که میتوانیم شرایط دسترسی به مسایل سیاسی آشتی ملی را دریابیم.

از سوی دیگر حزب دموکراتیک خلق افغانستان اعلام کرده است و به روی آن نیز تاکید بعمل آورده است و آن اینکه میخواهد که گامهای خاص خود را برای ایجاد یک سیستم چند حزبی در این کشور بجلو بردارد و به تمام احزاب سیاسی فرصت و حق میدهد که فعالیت های خود را در صورتیکه عملاً حمایت از صلح و امنیت در این کشور بنمایند اجازه فعالیت را میدهد و نیز آنها میتوانند که برای تحقق اهداف خود در چارچوب یک جبهه ملی گردهم آیند.

بهر صورت من میخواهم که در این زمینه بطور آشکارا اعتراف کنم که جبهه ملی تا به حال نیروی و تلاش قابل ملاحظه خود را به نفع جامعه بکار نبرده است؛ و دامنه فعالیت های آن محدود به شهرهای بزرگ مانده است و حتی که در همین شرایط و اوضاع وضعیت سازمانها و سازماندهی آن ضعیف و کم رنگ است که یکی از دلایل اصلی این ناتوانی و کم رنگی آن این است که ما تا همین اکنون چنین میدانستیم و یا می اندیشیدیم که جبهه ملی یک بخشی از حزب دموکراتیک خلق افغانستان است و با در نظر داشت همین اصل فعالیت های جبهه در چارچوب این حزب محدود شده است.

لذا وقت آن فرا رسیده است که این جبهه باید به حیث یک ارگان واقعی از جمع تمام نیروهای وطنپرست بصورت دواطلبانه و نه بگونه اجباری و یا الزامی به فعالیت های خود بدون محدودیت و وابستگی به برنامهای (ح.د.خ.ا) ادامه دهد.

باید بعرض برسانم اتفاقی که در این راستا بوقوع پیوست این بود که ما پیش نویس قانون اساسی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را به کنفرانس (لویه جرگه) ملی پیشکش نمودیم در کنفرانس به ارتباط جبهه ملی یک مصوبه به تصویب رسید که در مصوبه تاکید بعمل آمد که اعضای تمام سازمانها سیاسی و احزاب سیاسی بشکل دستجمعی به عضویت جبهه ملی پذیرفته شوند ولی آنچه که در این مورد به نظر میرسد اینست که این فیصله در واقعیت امریک فرمول نادرست و تاحدی توأم با مشکلات میباشد. بنا بر این ما در نظر داریم که در آخرین طرح نسخه اصلی قانون اساسی یک معیار اصلاح شدهء قابل قبول همه را بعرض تصویب به کنفرانس پیشکش نمایم چونکه مهم است تا جبهه ملی در فراهم آوری تسهیلات بعرض تحقق اهداف مصالحه ملی در کنار سایر نیروهای صلح طلب بدون کدام محدودیت فعالیت نماید.

اما در اینجا یک مشکل دیگر نگران کننده وجود دارد و آن اینکه از قبل افرادی در حزب دموکراتیک خلق وجود دارند که طرفدار ایجاد از یک بلوک نیروهای چپ و همجوشی سازمانها چپ گرا که بخواهند با (ح.د.خ.ا) مدغم شوند نیستند؛ چنانچه این ادعا را میتوان بعنوان تجربه نشان داد - اتحاد مصنوعی چهار همچو سازمانها با حزب دموکراتیک خلق

افغانستان هیچ کدام اثر چشمگیر سیاسی نداشته است در واقع از این چهار سازمان مجموعاً تنها (885) نفر با حزب دموکراتیک خلق افغانستان با استقلالیت تشکیلاتی و آزادی سازمانی و مرامی خود پیوستند که چندان برآمد سیاسی با خود نداشت .

از سوی دیگر تا همین اکنون بخوبی شناخته شده است که در اینجا چپگرا ها وجود دارد اما چپگراهای به اصطلاح از نوع چپ افراطی و یا رادیکال بویژه سازمان انقلابی کارگران افغانستان ، سازمانیکه بر نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان شک و تردید دارد و پیوستن خود را با (ح.د.خ.ا) تخریب سازمان خود تلقی میکنند لذا بهتر خواهد بود که (ح.د.خ.ا) با سایر سازمانهای دموکرات چپ در یک بلوک مشترک به همکاریهای مشترک بپردازد در عین زمان تلاش بخرج دهد که اقدامات لازم را برای بازسازی فعالیتها درون حزبی انجام دهد ؛ لذا به نظر ما تصویب یک قانون به ارتباط همکاری های مشترک احزاب پیش شرط های خوبی را در این شرایط ایجاد خواهد کرد .

میخا یل سرگیویچ گربا چف: پس به همین دلیل است که چرا این موضوع در خورا اهمیت است ؟ که باید چهره و سیمای اصلی و واقعی حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در همین مرحله ای از تاریخ تعیین و مشخص ساخت .

نجیب : من کاملاً میخواهم که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به حیث یک نیروی رهبری کننده در بسیج نیروهای مترقی باقی بماند ؛ اما متأسفانه که آرزو و آرمان یک چیزی وزندگی و عمل چیزی دیگری است و آن اینکه ما در مرحله کنونی توان و قدرت همچشمی و رقابت را بخاطر ایفای این نقش نداریم .

میخا یل سرگیویچ گرباچف : من فکر میکنم که در این مرحله از روند اجرای سیاست ملی و در شرایط مدخل تشکیل یک ائتلاف وسیع ، حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید نقش رهبری کننده و خود را با زی کند و در عین زمان غیر واقع بینانه خواهد بود که این حزب بتواند موضع کنونی خود را پس از دستیابی به مصالحه ملی حفظ کند ، بدین اساس ضرور پنداشته میشود که حزب باید با دقت تمام وضع را که در آینده ممکن است بوقوع بپیوندد از همین حالا آن چنان وضع را پیش بینی نماید و در رسیدگی به آن پالیسی را به اجرا درآورد و وضعیت پس از دستیابی به مصالحه ملی را با هوشیاری انقلابی در نظرگیرد .

و یا به عبارته دیگر حزب دموکراتیک خلق افغانستان در حال کنونی گام به گام وظایف دور و نزدیک خود را باید تعیین و مشخص کند ، یعنی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان شرایط مبارزه را برای انجام وظایف دور و نزدیک خود در امر تحقق سیاست مصالحه ملی با در نظر داشت شرایط موجود واقعی افغانستان درست تحلیل و ارزیابی نماید ، نقش و جایگاه خود را در مرحله اول و دوم از ماموریت تحقق آشتی ملی باید تعیین و مشخص کند .

در مرحله کنونی حزب دموکراتیک افغانستان نیروی پیشرو برای آشتی ملی است ،

و باید که این نقش خود را در تکیه با تحلیل و تجزیه از وضعیت در جامعه افغانستان بکاربرد. و عملیات یا اقداماتی را که در این مرحله روی دست میگیرد باید با ارزیابی صحیح تاریخی از جامعه افغانی در نظر گیرد و خصلت انقلابی خود را حفظ کند و در عین وقت این حزب باید بداند که اکنون او نیاز به یک برنامه حداقل دارد که آن را در عمل باید پیاده کند یعنی تحقق اصلاحات دموکراتیک.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در حال حاضر میتواند بخاطر انجام نقش مهمی که در مراحل بعدی بعهدده اش قرار میگیرد دست به اقداماتی زند و لازم پنداشته میشود که زمان را نباید مفت و رایگان از دست داد، و حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید بخاطر تحقق مثنی سیاسی آشتی ملی ابتکار عمل را بدست گیرد و آماده شود که قدرت واقعی را با دیگران به اشتراک گذارد که این همه اقدامات بطور قابل ملاحظه و به آسانی اختیارات ویا اتوریتهی حزب را تقویه خواهد کرد و حزب در آینده برای تحکیم پایه های خود در بین مردم فرصت های خوبی را بدست خواهد آورد- اما اگر حزب این مصلحت را می بیند که کادر های خود را در همه نهاد های مقامات دولتی جابجا سازد تا که بعد از آن شرایط مطلوب را برای حفظ و تقویه موقف خود کسب کند موردی است که البته این آرزو ویا وظیفه بس دشوار است ولی آنچه را که من و شما در می یابیم ویا به این نتیجه میرسیم که راه دیگری وجود ندارد با وجودیکه این مسیر خالی از اشتباه و ضرر هم نمیشد و نمیتوان که از این مسیر اجتناب ورزید ، البته که فریاد زدن آسان است که شعار های انقلابی را پرطمطراق سرداد و با خلوص نیت انقلابی به هدف بلند برافراشته نگه داشتن پرچم انقلابی فریاد کشید که البته این نوع نعره کشی ها بجز از روح و روان «**کارملیزم**» چیزی دیگری نیست ، کسانی که این روحیه را حمایت میکنند و دوست دارند که برای موقف اتحاد جماهیر شوروی مبارزه کنند ، آنها می هستند که در قصر ها و خانه های خود بی سروصدا آرام زندگی میکنند حالانکه چنین رویکرد ویا برخورد به هیچ وجه نمیتواند مناسب بحال مردم افغانستان باشد - بگذارید که اتحاد جماهیر شوروی تنها باشد ، مردم افغانستان از جنگ خسته شده اند ما نیاز داریم که واقعگرایان خوبی باشیم و از نظر سیاسی در قبال مردم افغانستان احساس مسولیت نمایم .

در حال حاضر هنگامیکه شما در حال حرکت و جهش به مرحله بعدی مثنی مصلحه ملی هستید ، بسیار مهم است که خطر استدلال و دلیل و برهان روح و روان «**کارملیزم**» را آنچه که است نشان دهید و به اعضای حزب تفهیم نماید که این عدم فعالیت و این عدم تمایل به اجرای وظایف محوله با تحلیل و تجزیه واقعینانه از وضع افغانستان به آن مفهوم است که خود را در عقب عبارات و شعار های چپگرایانه و شیبیه انقلابی پنهان ساخت - حالانکه مردم افغانستان باید بخاطر توحید و متحد شدن با هم که در این مرحله باید انجام دهند نیاز دارند .

اکنون اطلاعات چندی به مسکو میرسد که چنین احساسات کاذب در نزد بعضی ها وجود دارد که گویا مصالحه ملی در حال آمدن است، دستاوردهای انقلابی از دست می رود و عقب نشینی از اهداف انقلاب است و این همه چرندیات و مزخرفات غیر مسولانه ای این کسان را باید به اعضای اصولی حزب توضیح داد و آنها بیکه دست به همچو اشتباهات میزنند آنها را باید بطور مستقیم متوجه اشتباهات شان ساخت و در این مرحله حساس و مهم تاریخی جلو اشاعه همچو تبلیغات پوچ و زهرآگین را قبل از آنکه زمینه برای انشعاب حزب مساعد گردد گرفته شود.

آینده حالت امن و مصونیت افغانستان تنها از طریق تامین مصالحه ملی امکان پذیر است و این نظر کاملاً مردود است که پرش به سویالیزم بدون در نظر گرفتن مرحله انقلاب و اصلاحات ملی و دموکراتیک صورت گیرد، ما و چینایی ها در این راستا (پرش بزرگی) زدیم و ما میدانیم که این مرحله چگونه پایان می یابد و یا چگونه سپری میشود لذا سرنوشت حزب دموکراتیک خلق افغانستان پس از دستیابی به آشتی ملی به این بستگی دارد که حزب همین اکنون باید در ارتباط به وظایف آینده خود که چگونه باید عمل کند دست بکار شود و این یک آروزی پوچ و مهمل خواهد بود که این حزب اگر بخواهد اتوریتهی خود را با کمک نیروهای اتحاد جماهیر شوروی تامین کند گرچه که نیروهای ما در افغانستان آنچه را که در توان خود داشتند از بکار بردن آن لحظه ای عقب نشینی نکردند؛ پس «ح.د.خ.ا.» سیاستی را باید در پیش گیرد که مردم افغانستان این حزب را بعنوان یک نیروی ملی و رهبری کننده بشناسند و رهبری این حزب باید به کسانی تعلق گیرد که آنها بتوانند سیاست لازم را بکار ببندند و در غیر آن همچو آرزوها و خواسته ها ناممکن است که برآورده شود. من بگونه فعال درگیر در اطلاعات شما شدم چونکه این خود یک نقطه مرکزی سیاسی است.

نجیب: در اولین پلت فرم حزب دموکراتیک خلق افغانستان که در سال (1996) به تصویب رسید یکی از وظایف اصلی پیوستن انواع مختلف طبقات و بخش های جامعه افغانستان باهم بر بنیاد و اساس میهن پرستی بود اما با تاسف فروان که بعد از انقلاب این اصل فراموش ما شد و ما قدرت را در انحصار خود آوردیم بجای آنکه دشمنان را جدا و منزوی سازیم ما خودمان را از هم جدا ساختیم و ارتباط را با مردم از دست دادیم اکنون سعی و تلاش مینمایم تا که مردم خود را متقاعد سازیم حالانکه ما این توان را اکنون در خود نمی بینیم چونکه ما آن اصول را یک بار و برای همیشه رد کرده و در نظر نگرفتیم؛ بنا بر این اکنون مجبور هستیم که یک و یا دوبار به عقب برگردیم و تمام اشتباهات و خطاهای خود را اصلاح کنیم که البته ما این کار را بر اساس اصول پذیرفته شده باید انجام دهیم.

میخایل سرگیویچ گرباچف: حزب باید از مردم پیشی بگیرد و نباید برای یک بار هم

تماس و ارتباط خود را با اساس و بنیاد خود از دست دهد سردادن شعار های چپ منجر به سیاست های فرقه ای و انشعایی در حزب میشود پس به همین دلیل و برهان است که چرا وضعیت زمانیکه تمام جامعه متحمل در حال وقوع یک مرحله تاریخی خاصی از توسعه می شوند دشوار میگردد و حزب هم در این مرحله از دایره و ایده های خود به نواز آنها خود را به عقب کشیده میباشد چه که این حالت شاید یک و یا دو مرحله را دربرگیرد و یا شاید که به شما این مراحل طولانی و بیشتر باشد ولی چیزی مهم این است که نباید ارتباط را با عموم قطع کرد باید که همیشه با مردم بود .

نجیب: من متوجه هستم که برخی از مردم اقدامات ما را بعنوان یک عمل به عقب تفسیر میکنند حال آنکه این حرکت ما در همه سطوح چه در داخل و چه در عرصه بین المللی رو به جلو است و ما در مرحله ای از انکشاف و توسعه قرار داریم و در قدم نخست ما باید به تصحیح اشتباهات قبلی خود دست بکار شویم چونکه تا هنوز در بعضی از موارد اشتباه صورت میگیرد و مکلفیت ما این است که همچو اشتباهات را تصحیح نمایم و از تکرار آن جلوگیری بعمل آوریم .

میخایل سرگیویچ گربا چف: من با تحلیل و تجزیه که از طرف شما صورت گرفت کاملاً موافق هستم ولی با یک تصرف و آن اینکه این همه کارها باید بدون ضیاع وقت و بموقع اجر شود چونکه افغانستان در حال جنگ است و شما نمیتوانید که سالها فکر کنید چونکه وقت تفکر کردن را ندارید .

نجیب: من میخواهم توجه داشته باشم و یا چنین در نظر دارم تا بخاطر ایجاد یک بلوک و یا جبهه چپ دموکراتیک با موفقیت هر چه تمام تر سعی و تلاش نمایم بویژه من قصد دارم که به اصطلاح با حزب سوسیال دموکراتیک (افغان ملت) ارتباط برقرار نمایم چونکه این حزب در داخل در خارج از کشور فعالیت دارد طوریکه ما در فاصله های نه چندان دور با این حزب یک جلسه ای مشترک را در دهلی جدید برگزار کردیم و ما بصورت کل بدون آنکه به سقوط مواجه شویم و یا بخود تنزل را راه دهیم تلاش مینمایم که این جبهه چپ دموکرات را در اسرع وقت تشکیل دهیم .

همچنان کار ما بخاطر ایجاد سازمانهای سیاسی در دست اجرا است سازمانهای که منافع گروه ها و بخشهای جامعه را بیان و نمایندگی میکنند و از سوی دیگر همچنان من در نظر دارم که با قشر روحانیون افغانستان در یک حزب اسلامی تماس و ارتباط برقرار نمایم و ما در این زمینه با احتیاط تام میخواهیم کار کنیم با وجودیکه ما در قبل نمیخواستیم درین مسیر همچو یک حزب که از بالا بر ما اعمال شود کار و فعالیت نمایم ولی اگر ما این چنین نکنیم اشتباه محض ما خواهد بود دشمنان ما از این بی توجهی ما استفاده قابل ملاحظه خواهند کرد افزون بر این ارتباط ما با همچو یک حزب اسلامی در نظر داریم که بخاطر تشدید کار با روحانیون دست به طرح یک برنامه و پلان که جوابگوی

هرچه نزدیکی ما با روحانیون افغانستان شود کار میکنیم و میخواهیم که در تشکیلات و ساختار وزارت اسلامی و اوقاف یک سلسله تغییرات را بیاوریم فلذا اجرای اقدامات برنامه ریزی شده بما اجازه خواهد داد که مخالفین ما پیشنهادات خود را توسط نمایندگان خود از طریق همین وزارت اسلامی با ما در میان گذارند بنا بر این تا هنوز در این زمینه یک کانال ارتباطی ما با چندین گروه های از مخالفین و نیروهای ضد انقلاب وجود دارد.

نجیب: ایجاد حزب دهقانی یک اقدام ویا یک قدم موثر در جلب و جذب دهاقین در سهیگری شان به حیات سیاسی آنها خواهد بود.

میخایل سرگیویچ گربا چف: ایا قبلاً چنین حزبی در افغانستان وجود داشت؟ که از طریق آنها به نظر شما چنین حزبی میتوانست شکل گیرد ویا پابعرضه وجود گذارد؟

نجیب: در گذشته چنین حزبی وجود نداشت که از طریق همچو حزب اعضای حزب دهقانان و اعضای تعاونی زراعتی در روند اصلاحات ارضی زمین دریافت میکردند من فکر میکنم که این خود یک واقعگرایی با توجه به علاقه ای خاصی که توسط خود مردم نشان داده میشود میباشد.

ما همچنان نمایندگان قومی بورژوازی را بخاطر ایجاد حزب دموکراتیک شان تشویق میکنیم؛ ما مطمئن ایم که اجرایی موفقیت آمیز این برنامه ها برای حزب دموکراتیک خلق افغانستان این فرصت و زمینه را مساعد خواهد ساخت که حزب از وضعیت کنونی موقفانه بیرون آید و با ضد انقلاب مقابله کند. اتحاد تمام نیروهای دموکراتیک و قومی در یک پلت فرم مشترک زمینه را برای ایجاد پلورالیسم سیاسی بوجود خواهد آورد تا که آنها باهم دیگر همکاری نمایند و کشور را بسوی آرامی و مصونیت سوق دهند.

البته این همه خواسته ها و آرزوها در راستای تقویت همکاری با نیروهای میهن پرست که موقیعت های متوسط و بین البینی دارند تامین خواهد شد. ولی ما همچنان به کار خود ادامه میدهیم و تماس های خود را با نیروهای به اصطلاح «راست» تقویه مینمایم.

میخایل سرگیویچ گربا چف:؛ حزب دموکراتیک خلق افغانستان احتمالاً قبل از انتخابات الزاماً مقام ها و پست های بوروکراسی دولتی را به اشتراک احزاب دیگری گذارد فرصتی پیش خواهد آمد در غیر این صورت میتواند وضعیتی در جای دیگر توسعه یابد احزاب مختلف میتواند مطابق به قانون که در افغانستان به تصویب رسیده است ایجاد شود و دست به اجراءات زنند ولی باز هم تمام موقیعت ها در دستان حزب دموکراتیک خلق افغانستان باقی بماند.

نجیب: من با شما کاملاً موافقم؛ میخایل سرگیویچ؛ در واقع آنها میتوانند که در نتیجه انتخابات به قدرت واقعی و مقام های بوروکراسی در دولت دسترسی داشته باشند و این خود از لحاظ تاکتیکی و قتیکه حزب دموکراتیک افغانستان چنین گام مثبت را بجلو

میگذارد بیشتر سودمند و منفعت آور است و طبعاً که تأثیرات خود را در داخل و در خارج از کشور خواهد گذاشت .

میخایل سرگیویچ گربا چف : افزون بر این ؛ این خود باعث ایجاد و تشدید شکاف در اینجا و در خارج از کشور در بین مخالفین خواهد شد .

نجیب : ما نیز با رهبران مختلف از سازمانهای ضد انقلابی «اتحاد هفت گانه» ارتباط برقرار کرده ایم ، باید بعرض رسانم که بدون شک و پرسش «ظاهرشاه» شاه سابق افغانستان در شرایط آشتی ملی یک نامزد واقعینانه و مناسب در یک پست در سطح بالا میباشند ؛ علاوه بر این ما توجه خود را هرچه گسترده تر بخاطر تامین ارتباط با بالاترین سطح ضد انقلاب متمرکز ساخته ایم ؛ و ما در پهلوی آن توجه خود را در کار با رده های متوسط و بین البینی نیز معطوف نموده ایم و از دیدگاه ما تا حدی میخوایم که به سران و رهبران شورشی که در قلمرو افغانستان مناطق در تحت کنترل خود را دارند در صورتیکه آنها نورمهای کنترل دولت مرکزی را بپذیرند به آنها آزادی و خودمختاری بدهیم و لو که آنها قسماً از مخالفین ما جا نبداری هم داشته باشند و در ارتباط به مخالفین ما در خارج از کشور هدف اصلی بخش معتدل و متوسط است که ارتباط با نمایندگان این بخش از جامعه بما این فرصت و اجازه را خواهد داد که با درآغوش گرفتن آنها در بین تنظیم های هفت گانه اختلافات را تشدید نمایم .

در این زمینه من میخوایم با شما در این مورد مشورت کنم ؛ که به نظر ما بهتر خواهد بود که به مخالفین خود بازگردیم و در درجه اول و مهمتر از همه با اعتدال پسند ها و به پیشنهادات آنها به این توافق برسیم که برای آنها اجازه دهیم که در کابل دفتری بخاطر فعالیت های خود باز کنند و در چوکات سیاست مصالحه ملی با ما از نزدیک در ارتباط و مذاکره قرار گیرند و از سوی هم در مورد مسائل نظامی در شرایط کنونی این وظیفه ما میباشد که در حوزه های سیاسی ؛ اقتصادی و ایدئولوژیکی بخاطر حل مستقیم پرابلیم های نظامی با هم کار مثمیری را انجام دهیم و در بر سر رساندن این کار اصلی در ساحه نظامی باید وقت زیادی را در جنگ و مبارزه با بخش های آشتی ناپذیر و ضد انقلابی اختصاص بدهیم که تعداد آنها طوریکه قبلاً تذکر دادیم بیش از (46000) مرد جنگی نیست . ما درک میکنم که مشکلات تقویت نیروهای مسلح از نقطه نظر انطباق سیاست مصالحه ملی بسیار مهم است و در این مورد باید گفت که بخاطر تحقق و هرچه تقویه نمودن نیروهای مسلح تصمیمات خوبی را روی دست گرفته ایم که تا حال همچو تصمیمات بخاطر تقویه قوای مسلح روی دست گرفته نشده بود .

آنچنانیکه از تجزیه و تحلیل وضعیت کنونی به ارتباط موضوعات نظامی بر می آید باید بعرض رساند که ما در تعیین اولویت های سیاست نظامی تا کنون مرتکب چندین اشتباه شده ایم بگونه مثال در یک زمان چنین تصمیم گرفته شد که تعداد نیروهای نظامی

را تا (500000) نفر رساند - که اکنون رویهمرفته آن تصمیم تا حدی درست پنداشته میشود از اینکه از نقطه نظر قوای بشری اکنون ما ده برابر برتری را در تقابل با مخالفین ناسازگار خود داریم ولی با آنهم نمیتوان این کار را درست پنداشت حتی اگر سطح فرار از خدمت سربازی بلند نمیبود که اکنون تعدادشان تا (30000) رسیده است و یا اگر سربازان ریزرف (آنهايي را که اضافه خدمت شده اند) شده را که باید به آنها ترخیص داده میشود میعاد خدمتشان را تمدید بیشتر نمیکردند.

نکته اصلی که باید به آن عطف توجه صورت میگرفت این بود که وزنه بیشترکار باید بخاطر آماده گی پرسونل قوای مسلح به مبارزه و به آموزش مهارت های حربی مبذول میگردد و مشکلات آنها را حل و فصل میکردند و در بین شاخه ها و جزو تام ها و واحدهای مختلف قوای مسلح انضباط و دیسپلین را تقویه مینمودند و یا به عباره دیگر بهتر بود که به کیفیت نسبت به کمیت در نیروهای مسلح مربوط حزب دموکراتیک افغانستان عطف توجه صورت میگرفت فلذا اکنون حسب گذارشات رسیده حاکی از آن است که مشکلات و پرابلم ها قوای مسلح و میزان سوق اداره تا (40) فیصد تخمین زده شده که میتوان مشکلات آنها را با گماشتن نیروهای نظامی و مدیران اجرایی و دیگر کارمندان که در بخش لوژیستیک مهارت دارند حل و فصل کرد.

اقدام دیگری که باید در این راستا صورت گیرد همانا بلند بردن و یا ارتقای سطح رزمی نیروهای نظامی در مبارزه علیه ضد انقلاب میباشد که بسیار مهم است و درخور توجه باید قرار گیرد و بخاطر تحقق این خواسته لازم پنداشته میشود که از مرکز عالی و رهبری فرماندهی قوای مسلح یک دایریکتب یا یک دستورالعمل را برای تامین امنیت مناطق وساحات نظامی ایجاد شده و همسان کردن تمام تشکیلات قوای مسلح به مسولین زون های از قوای مسلح صادر شود که با چنین اقدام کارها به آسانی رونق خواهد یافت بخصوص زمینه تشریک مساعی را در بین نیروهای مستقر در مناطق مرزی در هنگام عملیات های رزمی تقویه خواهد کرد که آنها به آسانی فعالیت های شورشیان را در مرز حثی خواهند کرد - بنأ در این راستا ما از شما درخواست مینمایم که مسله انتقال وظایف مشورتی را در بین سربازان مرزی و مشاوران و کارکنان نیروهای مسلح شوروی تنظیم و سرو صورت دهید.

در حل مشکل ایجاد واحدهای نظم خاص هدف از «کماند وها» از دواطلبان باید دعوت بعمل آید بنأ بادر نظر داشت این خواسته ما قصد داریم که آنها را مستقیماً به ستاد عالی مرکزی قوای مسلح «به مرکز فرماندهی عالی» ارتقا دهیم؛ افزون بر آن ما باید در شرایط کنونی سطح هماهنگی عملیات های مشترک را در بین مسولین وزارت های اعم از دفاع، امنیت ملی و وزارت امور داخله افزایش دهیم - قابل یادآوری میدانم که همچو هماهنگی عملیات ها مشترک در میان وزارت های مربوطه همین اکنون وجود دارد که این خود

بدون شک افاده کننده سرشت نظامی میا شد و نیا زبه آن دیده میشود که همچو هماهنگی را باید جهت سیاسی داد.

با استفاده از این فرصت میخوام مراتب قدرانی خود را از شما میخایل سرگیویچ ابراز نمایم از اینکه جناب شما جنرال وارینیکوب (V.I.Varennikov) را به حیث رهبر و قوماندان ارتش شوروی به افغانستان تعیین و اعزام نمودید اما افزون بر آن من از شما میخوام بپرسم که آیا شما این ایده ها و خواسته های زیرین ما را در نظر میگیرید؟ در حال حاضر تمام برنامها و پلانیهای عملیات رزمی که توسط نیروهای اتحاد جماهیر شوروی در تحت قومانده جنرال وارینیکوف صورت میگیرد، اینگونه عملیاتها از مسکو هماهنگ میشود که این خود باعث ضیاع وقت میگردد لذا این بهتر خواهد بود که به جنرال وارینیکوف صلاحیت داده شود که او خود در این مورد با دست باز تصمیم گیرد و برنامها عملیاتهای رزمی را ترتیب و تنظیم دهد و در هم آهنگ ساختن فعالیت های تمام نیروی های نظامی شوروی در افغانستان کار را از پیش ببرد.

در کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان یک دبیرانتمنت (شعبه) جدید بغرض تقویه کار سیاسی در بین منسوبین قوای مسلح و ارتقای تعلیم و آموزش جامعه ایجاد شده است؛ با توجه به اهمیت کار این شعبه جدید التاسیس میخوام بپرسم که اگر شما بخاطر بهتر شدن و پیشرفت کار این دبیرانتمنت در صورت امکان بطور موقت یک مشاور کارگاه در این بخش را بگمارید خورسند خواهیم شد تا در این بخش به کمیته مرکزی حزب ما کمک شود. باوجودیکه البته ما بصورت تدریجی در صدد کاهش تعداد از مشاورین هستیم ولی از آنجایکه کار و فعالیت های این دبیرانتمنت جدید سود و منفعت زیاد در قبال خود دارد به همین سبب از شما تقاضای تعیین همچو مشاور را مینمایم.

من با توجه به مشکلات کار حزبی برای اجرای برنامها آشتی ملی و ارزیابی از ماهیت مرحله جدید و نحوه انطباق مشی مصالحه ملی و رشد فعالیتها و مسولیت های حزب دموکراتیک افغانستان که از طرف شما صورت گرفت با شما کاملاً موافقم و با در نظر داشت این اصل به باور ما؛ پلینوم ماه جون کمیته مرکزی حزب ما یک گامی مهمی را به ارتباط درک وظایف تاخیرناپذیر اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان بجلو برداشت؛ چنانچه این موضوع از طرف تمام اعضای اشتراک کننده در پلینوم به اتفاق آرا تایید و از آن حمایت خود را ابراز نمودند. این پلینوم ظاهراً یک مرحله و یا دوره مشخص از توسعه و اجرات سیاست حزب را در چارچوب خاصی برای پیاده کردن سیاست آشتی ملی در این کشور را نیز تعیین و مشخص ساخت.

آمادگی برای سازش و مصالحه و معرفی سیستم چند حزبی در کشور ما؛ و ایجاد بدنه حکومت ایتلافی و تشکیلات جبهه چپ دموکراتیک نیروها بشمول حزب دموکراتیک خلق افغانستان و غیره... در کار و فعالیت آینده ما قرار دارد و ما اکنون در حال توسعه و انکشاف مفهوم آشتی ملی هستیم و در عین وقت ما پیش نویس قانون اساسی کشور را

بغرض بحث همه جانبه به مردم پیشکش نموده ایم و در پهلوی آن به بررسی این موضوع نیز مصروف هستیم که در صورت امکان می‌خواهیم نام و نوع حکومت و حتی حزب را تغییر دهیم؛ بهر صورت به ارتباط سوال بعدی؛ من قصد دارم که نام حزب دموکراتیک خلق افغانستان را تغییر دهیم به این اساس من مایلیم که باید با شما در موارد ذیل مشورت کنم:

بر مبنای قانون احزاب؛ «**کارملیست‌ها**» میتوانند اقداماتی را برای ایجاد سازمان سیاسی خود انجام دهند چونکه اینگونه تمایلات کاملاً قابل رویت است بناً اگر ما حزب را تغییر نام دهیم پس آنها میتوانند سازمان و یا حزب خود را تحت همین نام (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) ایجاد کنند و علیه ما عمل کنند.

وظیفه مرحله کنونی فعالیت حزب دموکراتیک افغانستان آماده‌گی برای تدویر یک کنفرانس سراسری حزبی بادر نظر داشت میزان و مقیاس مسایل؛ مورد نیاز میباشد که ما باتوجه خاص و با صرف مساعی برای پیشبرد کار در این راستا مصروف هستیم.

میخا یل سرگیویچ گربا چف: آنطوریکه شما فکر میکنید این کنفرانس سراسری حزب چه وقت برگزار میشود؟

نجیب: در حدود دو و یا دو نیم ماه بعد، و به همین اساس ما باید با برداشتن گامهای استوار و کار بیشتر به توضیح تصمیمات پلینوم اخراج حزب بپردازیم، با در نظر گرفتن این موضوع و با توجه به بررسی و به پاسخ سوالات این کنفرانس در سویه معادل کنگره حزب میتواند تصمیم گیرد و از سوی دیگر کاملاً مشخص و روشن است که اقدامات سازمان باید در دستور کار ما قرار گیرد و وقت آن رسیده است که باید دامن حزب را از وجود افراد و جناحهای مخالف و خرابکار که علیه سیاست‌های مصلحانه ملی صحبت میکنند پاک سازیم - مهمترین و برجسته ترین وظیفه ما در شرایط کنونی تقویه اقتدار حزب ما میباشد و آنهم به این خاطر که حتی در صورت ایجاد شدن یک حکومت ائتلافی مقام و پست ریاست جمهوری به حزب دموکراتیک خلق افغانستان تعلق گیرد و این خواسته را میتوان که در صورت حفظ اقتدار حزب بعنوان یک پیش شرط مطلوب در نظر داشت و از سوی هم باید در مورد جا بجا ساختن و گماریدن مردم و یا اعضای حزب و دولت در مقامات دولتی و حزبی درست و صحیح فکر شود و در این ارتباط باید بخاطر یک پارچه شدن و هر چه متحد شدن رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان کادرهای جوان و فعال و کارگشته را به بالا کشید.

میخا یل سرگیویچ گربا چف: اما آیا چنین امکانات وجود دارد؟ و آیا همچو کادرهای جوان فعال آموزش دیده را در اختیار دارید؟ و یا چنین کارها وجود دارند؟

نجیب: بلی، همچو کادرهای فعال وجود دارند اما آنها نیاز بیشتر به جسارت و مردانگی دارند که باید پیش کشیده شوند که در پیش کشیدن آنها هیچکس نمیتواند که از کار و فعالیت

آنها ویا از انجام کارهای مثر و جانبازی های قابل اعتماد حزبی آنها چشم پوشی کند از تجربه و جسارت آنها بقدر کافی باید استفاده صورت گیرد بخصوص در هنگام روبرو شدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقابله با نیروهای مخالف در تحت شرایط کاملاً جدید و در وضعیت و حالات کار در آینده ها .

من میخواهم باشما در مورد یک موضوع مهم یعنی در مورد مسله قومی هرچه جدی و دقیق مشورت کنم- چونکه ما ضرورت آنرا درک کرده ایم که حزب ما به حل مسله قومی نیاز مبرم دارد و ما در این راستا میخواهیم که اقدامات خاصی را انجام دهیم تا جایکه حتی رفقای شخصی ما وقتاً فوقتاً به ما توصیه میکنند که به گروه های مختلف قومی با نفوذ در جامعه خودمختاری داخلی بدهید .

میخایل سرگیویچ گربا چف: این موضوع در واقع مسله بسیار مهم و جدی است و غیر ممکن به نظر می آید که از آن به آسانی چشم پوشی کرد و یا آنرا نادیده گرفت؛ اما چیزی مهم در این مورد این است که در این قسمت نباید تصمیمگیری عجولانه و بگونه ای مصنوعی صورت گیرد و یا بالای مردم بدون در نظر گرفتن شرایط و واقیعت های موجود در جامعه تحمیل شود طوریکه میدانیم در افغانستان طی دوره های چندی یک میکانیزم به درجات خاصی در راستای تامین روابط حمایتی متقابل بین گروه های قومی ، بخش ها و گروپ های شامل در جامعه از مردم وجود داشته است ؛ بناً این سرشتاً بسیار مهم است که به دنبال راه های بخاطر حل مشکل قومی با برخورد دیالیتیکی منافع اصلی گروپ های قومی و ادغام آنها را در روند تحکیم جامعه در نظر گرفت ، پس در اینصورت اگر شما چیزی جدیدی رامیخواهید برای مردم پیشنهاد میکنید طوریکه آنها از درک موضوع پیشنهاد شده شما عاجز باشند در آنصورت این نوع برخورد میتواند روند آشتی ملی را پیچیده تر سازد و از پیشنهاد تقدیم شده ای خود دستاورد مثبتی نخواهد داشت . بهر صورت برای شما باید کاملاً روشن باشد طوریکه روشن هم است چگونه میتوانید بکار خود ادامه دهید چیزی اصلی همانا گذاشتن احترام و تامین روابط بیطرفانه به همه است .

من یک نمونه ای از حل مسله قومی را در اینجا از کشور خود به شما خاطر نشان می سازم من در یک زمان در (Stavropol Kray) کار میکردم منطقه ویا ناحیه ای مستقل و خود مختار گراچای چرکسکیا او بلست (Karachay-Cherkesskaya Autonomous Oblast) که (90) هزار باشنده ای آن کراچی ، (3500) آن سرکسین (Circassian) (14000) آن ابازی (Abazi) ، (11000) نوگایی (Nogay) و دیگر اقوام خوردو کوچک بود - روس ها در آن منطقه (35) فیصد نفوس را تشکیل میداد ادبیات با نشر روزنامه ها نشر را دیو تلویزیون توسعه یافته بود و تدریس و دستور العمل ها در مکاتب به تمام زبانهای مروج ملی آنجا بدون تبعیض و تفاوت صورت میگرفت چونکه این خود یک فکتور مهم در حل مسله قومی شمرده میشود و بادر نظر داشت رعایت همین اصل زرین در هنگام

برگزیدن و یا گماریدن اعضای حزب و پرسونل دولتی به مقام ها و دفاتر اقدامات صورت میگیرد .

پس میتوان گفت که مسئله قومی یک مسئله بسیار حساس و ظریف و نیرنگ امیز است که بدون حل مسئله قومی دیگر هیچ پرابلمی نمیتواند حل و فصل گردد .

نجیب: من با شما هم نظر ام ، ما اکنون بخاطر ایجاد یک وزارت از اقوام و ملیت ها (Ministry of Nationalities) در افغانستان مصروف کار هستیم و بمنظور درک و حل مشکلات قومی چنین اقدامات را روی دست گرفته ایم ؛ ما همچنان در نظر داریم که رسوم و رواج و فرهنگ و سنت ها و آداب و ویژه گی های ملی و قومی و ملیت ها را حفظ و توسعه دهیم .

پیش نویس قانون اساسی یک گزینه برای ایجاد قومیت فراهم میکند و من فکر میکنم که هیچ ضرورت برای عجله در این مورد وجود ندارد و ما نباید مشتاقانه به حل این مشکل با روش خاص اداری دست بکار شویم .

میخایل سرگیویچ گرباچف: اکنون ضرورت آن دیده میشود که وضعیت موجود به حالت عادی و نورمال برگردانیده شود چونکه کار و زندگی در شرایط صلح آمیز بدون دغدغه خوب پیش میرود و در آن وقت است که همه چیزها روشن و همه مشکلات یکی بعد از دیگری حل و فصل میگردد .

نجیب: عجله کردن بخاطر حل این مشکلات مغلق و پیچیده خطرناک است ما از اشتباهاتی که در اصلاحات تقسیم اراضی و آب کردیم تجارب تلخی داریم اشتباهاتی که کاملاً قابل لمس بود اما همه ای آن اشتباهات بویژه پیامدهای منفی آن یکسان نبود با اینصورت اگر یک اشتباه در انجام سیاست های قومی صورت گیرد پس در آنصورت امکان وقوع «عملکرد قدرتمند یک بمب به تاخیر افتاده شده» را نمیتوان رد کرد .

از سوی دیگر ما همین اکنون بروی یک طرح و فکر خوب استوار بر علم و آگاهی قومی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان میباشیم و ما میخواهیم که یک نسخه ی از این سند از چنین اقدامات خود را بعد از تکمیل شدن آن به شما ارسال نمایم .

میخایل سرگیویچ گرباچف : ما نسخه ارسالی شما را با دقت همه جانبه مطالعه خواهیم کرد اما من مجدداً تکرار میکنم و آن اینکه مهمترین چیز این است که خود شما با قدم های خود بخاطر بیرون رفتن از مشکلات بصورت مصممانه تصمیم بگیرید که چه میتوانید بکنید و بغرض نیل به هدف خود چه اقداماتی را باید اجرا و یا بسررسانید در مارکسیزم چیزی عمده و اصلی این است که با شناخت و آگاهی از روش دیا لیکتیک تصمیم گرفته میشود که در مواجه شدن به شرایط خاص تاریخی از آگاهی بوسیله دیا لکتیک باقضایا باید چگونه برخورد صورت گیرد و یا اسلوب دیا لکتیک در همچو شرایط خاص چگونه مورد استفاده قرار گیرد .

نجیب: بطور خلاصه در مورد مسایل اقتصادی .

میخایل سرگیویچ گربا چف: آیا کمک های از قبل تعیین شده ای ما به شما نرسیده است؟

نجیب: من به نمایندگی از کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان میخواهم از ته دل عمقترین قدردانی و سپاس خود را بدون خودخواهی از همچو کمک های بزرگ شما که ب مردم ما نموده و مینماید اظهار نمایم- ما در این راستا یک راه حل انقلابی موفقیت آمیز از مشکلات جلوروی خود را مبنی به کمکهای بزرگ از کشور اتحاد جماهیر شوروی بخاطر برآورده شدن نیاز به تقویت قوای مسلح خود می بینیم . بخصوص از بهتر شدن سطح زندگی مردم هم مرز ما به نسبت رونق گرفتن خوب داد و ستد و تجارت و روابط مستقیم اولسوالی های ولایات هم مرز ما با جمهوریت های مختلف اتحاد جماهیر شوروی ، روابط درخور اهمیت یعنی نه تنها روابط بین دولت های ما بلکه روابط حسنه و در حال توسعه و گسترش بین مردمان ما .

میخایل سرگیویچ گربا چف: در مدت زمان نه چندان دور کنفرانس کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی به اشتراک و حضور داشت رهبری تعداد از جمهوریت ها و نمایندگان مناطقی که در اجرای تامین روابط در بخش تمویل کمک های مردم شوروی به افغانستان مسولیت دارند تدویر یافت و در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که مسولین امور به ولایات افغانستان در امر توسعه همچو کمک های انسانی توجه خاص مبذول گردد و نباید فراموش شود که کمک های مردم شوروی باید بصورت آزادانه به نیازمندان و افغانهای که به این کمک ها ضرورت دارند به آنها رسانده شود .

نجیب: خوب ؛ احوال شوروی نا زی ؛ به من در مورد نتایج بدست آمده کنفرانس گفت ، ما بخوبی میدانیم که رفقای شوروی چگونه بطور جدی و پیگیر در برخورد به پرسش توسعه روابط مستقیم عطف توجه مینمایند و بطور کامل متوجه مسولیت های خود بخاطر تحقق و پیاده کردن درست و موثر و موفقیت آمیز کمک های آزاد شوروی را به ما و به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مردم ما مینمایند ، در پهلوی همچو کمک ها افغانستان نیز تلاش بخرج میدهد تا توجه دایمی خود را بخاطر بهبود بخشیدن کار و فعالیت سازمانهای افغانی در این مناطق مبذول دارد و در عین زمان باید گفت که برخی کاستی ها نیز در فعالیت های طرف افغانی وجود دارد و ما سعی میکنیم که این کاستی ها را حذف کنیم .

با استفاده از فرصت و بتاسی از رهنمود کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان میخواهم چند درخواست و تقاضای اضافی ذیل را از شما بنمایم - و در قدم نخست از همه با قدردانی و سپاس از سربازان و مشا و روان ارشد اتحاد شوروی که با وجود محدودیت ها مشروط ما را در سازماندهی کار توزیع کمک های آزاد شوروی در بین مردم ما همکاری نمودند که این خود از نظر سیاسی اهمیت زیادی از نظر تبلیغ ایده

دوستی با اتحاد جماهیر شوروی در بین مردم ما دارد.

در راستای تقویت همکاریهای بلند مدت بین کشورهای ما؛ در حوزه اقتصادی می‌خواهم از شما تقاضا بعمل آورم که در راه ساخت و اعمار یک خط راه آهن رفت و برگشت بطول «200» کیلومتر بین کشک و هرات و نیز در مورد استخراج مس عینک ماراهمکاری نماید. تحقق چنین پروژه‌ها ممکن است در قدم نخست از نظر سرمایه گذاری قابل توجه باشد ولی با تکمیل و بهره برداری همچو پروژه هاممکن است که صد برابر هزینه های بمصرف شده اعاده گردد.

از لحاظ مشارکت مردم در حمایت از دولت و تقویت موقعیت و موقف سیاسی اتحاد جماهیر شوروی؛ بهبودی بیشتر تجارت، اقتصاد؛ فرهنگ و دیگر روابط بین ولایات شمال دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و جمهوری های آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی میتواند از اهمیت بسزای برخوردار باشد همچنان به توسعه و ساخت عملی این انتقالی برق از مرز شوروی به جمهوری دموکراتیک افغانستان میشود که پرابلم کمبود برق در افغانستان مرفوع گردد.

ما فکر میکنیم که فرصت برای همکاری با عضویت در «شورای همکاری اقتصادی متقابل = COMECON» کشورها که تا هنوز بگونه ناکافی در راه حل پرابلمهای اقتصادی افغانستان کار و فعالیت مینمایند شرایط برای گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی خوب و بهتر خواهد بود. از جمله ایجاد شرکت ها و پروژه های مشترک با سرمایه گذاری مشترک وسیله ای خواهد بود که باعث بهبود وضع اقتصادی کشور ما خواهد شد.

اکنون می‌خواهم درباره فعالیت های مسایل بین المللی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان تماس بگیریم، در قدم اول از همه به من اجازه دهید که از شما نسبت کمک به تامین و ایجاد و گسترش روابط بین المللی افغانستان با کشورهای مترقی که از طریق کانال کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بویژه با دولت های که احزاب مترقی در آن کشورها قدرت را در دست دارند تشکر نمایم؛ چنین تقاضا و درخواست من نباید محضاً چپ گرایانه تلقی شود و از سوی دیگر همچنان قدر دانی خود را از اینکه مامورین دیپلماتیک اتحاد جماهیر شوروی در کشور های مختلف زمینه تماس کارکنان ما را با مخالفان افغانی با توجه به سیاست آشتی ملی فراهم نموده اند ابراز نمایم؛ فعالیت سیاست خارجی حزب و دولت ما در حال حاضر به اندازه کافی وقناعت بخش جوابگوی نیل به هدف ما نیست با رغم این واقیعت که هندوستان تا هنوز رضایت خود را بخاطر تدویر کنفرانس برای مصالحه ملی در قلمرو خود اعلام نکرده است، سیاست خارجی ما در بین اعتدالیون و مخالفین متردد و دودله ما تاکنون در حال رشد نفوذ خود نیست.

میخایل سرگیویچ گربا چف: در گفتگوبا جانب هند ما با نخست وزیر هند آقای «راجیو

گاندی» پیرامون مسایل افغانستان و اطراف آن بطور مفصل بحث کردیم و گفتیم که از این چه بهتر که افغانستان در تحت نفوذ ایالات متحده امریکا و پاکستان نمیرود اما این موضوع برای آنها مطلقاً نا با ورکردنی است و در اینجا تنها یک تفاوت قابل ملاحظه است و آن اینکه هندی ها میترسند که مبادا روابط بین افغانستان و پاکستان عادی شود و علیه هندوستان آغاز به فعالیت های تخریبی کنند و هندی ها همچو احساس را در سر می پروراند ولی در مورد آن صحبت نمیکنند و از سوی هم هندی ها گرچه ظاهراً اظهار نظر نمیکنند ولی علاقمند هستند که نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی هرچه زودتر باید از افغانستان خارج شوند و هند در این مورد چنین می اندیشند که با اتخاذ همچو موقف میتواند صد درصد منافع هند را در منطقه تامین کنند، افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی شاید به نظر آنها (20) فیصد منفعت خواهند داشت .

لذا از آنجاییکه افغانستان و مردم افغانستان برای چندین سال است که در آتش جنگ میسوزند به سختی موافقه خواهند کرد که تنها گذاشته شوند و یا به چین فرمولی از سوال توافق نشان دهند پس با در نظر داشت همین اصل است که افغان ها با درک همه جانبه از سیاست آشتی ملی میخوانند به صلح دسترسی پیدا کنند و این خود یگانه دلیل و برهانی است که میتوان دریچه صلح را به روی خود بکشاید و به همین اساس از آشتی ملی حمایت میکنند .

نجیب: با توجه به دیدار قریب الوقوع آینده من با «گاندی» ؛ من میخواهم با شما در مورد موضوع آتی مشورت کنم ؛ ما در حال حاضر در آستانه ای تجدید مذاکرات در «جینیوا» هستیم ؛ ما میخواهیم و یا در تلاش هستیم که بالای پاکستان بیشتر فشار وارد نمایم که فعالیت حلقهات مسکون در پاکستان که در مخالفت اشکارا ما و با مردم ما هستند جلو فعالیتهای تخریبی و مخاصمت آمیز آنها را گرفته و خنثی سازد و البته که در شرایط موجود حتی که پالیسی آشتی ملی خود بحیث یک عامل موثر بر خوی و خصلت مردم پاکستان نیز تاثیر گذاشته است و از سوی دیگر ما خود فرصت ها و امکانات سنتی و عنعنوی تاثیرگذار در منطقه نیز داریم منظور من یادآوری از قبایل پشتون و بلوچ و در مورد جنبش های مخالف با پاکستان است و ما در این زمینه فرصت کافی داریم که بگونه مثال در ولایت سند دست به یک سلسله فعالیت ها بزنیم .

ما در زمان نه چندان دور **سلیمان «لایق»** را به دهلی فرستاده ایم موضوع فرستادن لایق به هند وستان از این قرار است که رهبر مشهور قبیله های پشتون پاکستان **خان عبدالغفار خان** نسبت مریضی که عاید حال شان شده و در یکی از شفاخانه ها در آنجا بستر است او به نمایندگی از ما عیادت از **خان عبدالغفار خان** مینماید از خان عبدالغفار خان آنطوریکه ما میدانیم او کسی است که حتی قبل از زمان آغاز مبارزه «**مها تما گاندی**» **ر رهبر جنبش ملی گرا هند** ؟ آغاز به فعالیتهای سیاسی نموده بود چنانچه تا جایکه او را

(خان عبدالغفار خان) را «گاندی قبیله های مرزی» می نامند، اکنون او بیش از (100) سال عمر دارد که (40) سال از عمر خود را بخاطر آزادی مردم اش در حبس سپری کرده است او به خانواده خود وصیت کرده که جسد او را در پاکستان بجا نماند چونکه او گفته که پاکستان (زندان برای مردم است) از این لحاظ جسد مرا در افغانستان بجا نماند. لہذا ما تلاش خواهیم کرد که این حرف واقعیت‌ها را در افغانستان بجا نماند. لہذا ما تلاش خواهیم کرد که این حرف واقعیت‌ها را در افغانستان بجا نماند. لہذا ما تلاش خواهیم کرد که این حرف واقعیت‌ها را در افغانستان بجا نماند.

«لایق» در جریان سفر خود به (دهلی) با گاندی ملاقات کرده و پیام من را به «گاندی» تحویل داده است و در گفتگوی که «لایق» با رهبر هند نموده، رهبر هند اظهار داشته که ایالات متحده امریکا؛ پاکستان را به یک کشور همچو پل هوایی بخاطر مبارزه با هند و افغانستان با استفاده از فرستادن ضد انقلابیون و گروه‌های افراطی سک و افغان «مجاهدین» بخاطر منافع خود تبدیل نموده است- لذا در این زمینه او یعنی «گاندی» با تفکر و اندیشه ای آرام پیشنهاد کرد که هند و افغانستان باید در این مورد به اقدامات تلافیجویانه ای مشترک علیه پاکستان بپردازد - پس با در نظر داشت این یادآوریها شما چه فکر میکنید آیا با ارزش خواهد بود که اگر پاکستان و ایالات متحده امریکا بخاطر حل سیاسی و توسعه یک برنامه هماهنگ برای چنین اقداماتی همراه باشند دست بکار شوند؟ من در این مورد یک ایده دارم اما ایده ای خطرناک و شما بمن در این مورد خواهید گفت من در ارتباط رهبران هند بطور جدی و وقتاً فوقتاً به ارتباط مشکل به راه اندازی حمله پیشگیرانه بشکل یک نوع از تظاهرات در پاکستان نه بعنوان اشغال قلمرو خود بلکه بعنوان نشان دادن نیروی خود دست بکار خواهد شد.

میخایل سرگیویچ گربا چف: «گاندی» حتی به من گفت که ما قصد داریم که پاکستان را تجزیه نمایم.

نجیب: اگر هندی ها بخواهند این کار را انجام دهند ما در حصر خود میتوانیم بدون درگیر شدن مستقیم در قضیه در مرزهای پاکستان پشتونها و بلوچها و سایر قبایل را علیه پاکستان تحریک و بیسج نمایم ولی ترس و خطر از حضور امریکایی ها در منطقه است و در عین زمان پرسش دیگر که بوجود می آید این است که آیا امریکایی ها علیه هندی ها دست به کدام اقدامی خواهند زد که به نظر من جواب این پرسش «نه» است چونکه حتی حضور ساده ای امریکایی ها در منطقه برای آنها درد سر و پرابلم گسترده تر نسبت به ویتنام ایجاد خواهد کرد.

بهر صورت در اینجا تا هنوز یک عامل جدی وجود دارد یعنی حضور قطعات نظامی محدود اتحاد جماهیر شوروی که باید به عنوان یک الترناتیف مشهود مورد مطالعه قرار گیرد.

میخایل سرگیویچ گربا چف: من فکر میکنم سنجش ها و اقداماتی را که شما برای توجیه

نمودن موضوع بر شمردید در هر صورت آن این رانیز باید مدنظر داشته باشید که طرف دیگر درگیر در قضیه الزاماً به اقدامات مشابه دست خواهد زد .

نجیب: شما درست می فرمایید، ولی اثربخشی اقدامات ما تا یک اندازه تاثیر قابل ملاحظه در وضعیت سیاسی ولایات سند و پنجاب خواهد گذاشت .

میخایل سرگیویچ گریباچف: ما نیاز داریم که بطور ثابت و مداوم در سمت و سو اصلی قدم برداریم آنطوریکه ما باهم مشترک تصمیم گرفتیم و آنهم بخاطر حل سیاسی پرابلم موجود ؛ پس اگر ما دست به خرابکاری و یا سبوتاز علیه تلاش های ایالات متحده امریکا و پاکستان در امر حل و فصل سیاسی که اگر احیاناً از سوی آنها صورت گیرد یا به نوعی از اقداماتی شدید بخاطر تضعیف تلاش های در حال انکشاف و توسعه آنها دست زنیم پس در آن صورت بدیهی است که ما و شما به این بحث خواهیم پرداخت که دست به چگونه عملی زنیم و یا چه باید بکنیم ؟

اما امروز دو موضوع اصلی در دستور و یا در اجندای کار عبارت اند از : پیاپی ده سازی سیاست آشتی ملی و دستیابی به توافق و یا حل سیاسی ! البته که این دو موضوع امکان اقدامات خاص را رد نمیکند از جمله هماهنگی با هند؛ با اینحال {ما} نیاز داریم که بخاطر انجام کار که منجر به مقابله مستقیم روابط نگردد و راه را برای حضور امریکایی ها در این منطقه باز نکند باهم کار کنیم .

در فاصله نه چندان دور گروهی از جنرالان بازنشسته پاکستان به نزد آتشه نظامی ما در پاکستان مراجعه کردند ، آنها خواستند که به رهبری اتحاد جماهیر شوروی این اطمینان را بدهند که آنها پاکستان را اجازه نمیدهند که امریکایی ها در پایگاه نظامی شان واقع در پاکستان حضور داشته باشند یا پایگاه نظامی امریکا را نمیخواهند که در پاکستان باشد - ما همین اکنون به بررسی این موضوع مصروف هستیم تا بدانیم که این کار ابتکار خود جنرالان پاکستانی بوده و یا که تحریکی توسط ضیا و الحق بوده که آنها را الزاماً و ادار به همچو تقاضا نموده است ولی به هر صورت آنها در پاکستان این درک را دارند که آنها نباید همچو بازی های خطرناک را با شوروی بکنند چونکه آنها تا حدی محدودیت ها را می بینند .

صحبت ما با «گاندی» در مورد مسایل دراز مدت بجای رسید که ما هر دو به این فرضیه را در نظر گرفتیم که اتحاد و وحدت هند و اتحاد جماهیر شوروی تضمین کننده بقا و استقرار یک افغانستان آزاد و غیر منسلک در منطقه شده میتواند - لذا ما قصد داریم که در طولانی مدت با هند و بخصوص با «گاندی» همکاری کنیم . اما برای «گاندی» در شرایط کنونی دشوار است که همه تصامیم خود را بگونه اشکار در بسا موارد ارایه و افاده نماید ولی ما با در نظر داشت این همه دشواریها که او در شرایط کنونی به آن مواجهه است از او بیدریغ حمایت مینمایم تا باشد که هند به رشد و انکشاف خود ادامه دهد

ما فکر میکنیم که منافع اتحاد جماهیر شوروی، هند و افغانستان با در نظر داشت شرایط کنونی در منطقه با هم در هماهنگی قرار دارد.

نجیب: در اینجا چند بین مسایل دیگری نیز وجود دارد؛ که با فعالیت های سیاست خارجی ما مرتبط میباشد.

ما همین اکنون در آستانه ای گردهمای چهل و دومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد مسایل پیچیده افغانستان میباشیم، با توجه بکاری که ما با انجام آن مکلفیت داریم اینست که فرصتهای چندی برای تغییرات در قطعنامه ای مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد افغانستان که برای ما مطلوب است بوجود آمده است. که همراه با این تغییرات ایجاد شده ما تلاش بخرج میدهیم که به توسعه طرح اقدامات خاص خود بخاطر تقویه موقعیت افغانستان در جنبش عدم انسلاک با اعضای کشورهای شامل در سازمان کنفرانس اسلامی کار و فعالیت نمایم و از جهت دیگر در نظر داریم که بطور خاص (67) هیئات نمایندگان خود را به کشورهای مختلف در آسیا، افریقا و امریکای لاتین برای انجام ماموریت های توضیحی سیاست خارجی ما اعزام نمایم. ما همچنان در نظر داریم که لست میزان کمک های کشورهای سوسیالیستی را در امر تحقق اجرای سیاست خارجی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان ترتیب دهیم.

ما همچنان قصد داریم که مواد قرار و فیصله سازمان ملل متحد را که در مورد پناهندگان به تصویب رسانده اند بعنوان یک سند رسمی بخاطر محروم کردن پاکستان از دستبرد سوارین مهاجرین توزیع کنیم تا با استفاده از این فیصله و قرار سازمان ملل متحد پاکستان نتواند برای ما مشکل خلق نماید.

میخایل سرگی یچ گریا چف: اما آیا شما برآورد کرده اید که چه تعداد پناهنده ها واقعاً به افغانستان باز میگردند حتی بطور تخمینی؟

نجیب: ما فکر میکنیم که اگر موانع که توسط مقامات پاکستان و ایران بر سر راه پناهندگان خلق شده حذف شود اکثریت به اتفاق پناهندگان دوباره به افغانستان برمیگردند موضوع قابل تذکر اینکه حسب معلوماتی که بدست ما رسیده حاکی از آنست که بسیاری از کسانی که افغانستان را در دشمنی با ما ترک کرده اند اکنون بطور فعال و اشکار سخن بر لب آورده علیه رهبران ضد انقلاب میگویند، توسعه و حرکت میتواند به مفهوم اقدام هم باشد؛ اما البته که ما باید با استفاده از فیصله سازمان ملل متحد به ارتباط پناهندهگان بیشتر کار و فعالیت نمایم و آن اینکه باید از خود بپرسیم که اجندا و برنامه های فوری و عاجل ما بخاطر اجرای سیاست آشتی ملی در شرایط کنونی چیست؟ البته که در قدم نخست ما باید عمق پرابلم های را که به آن مواجهه هستیم بدانیم و در اتکا به این درک از مشکلات خوشبختانه که همین اکنون ما در یک دوره از اجرات بخاطر تحقق پالیسی آشتی ملی در حرکت مثبت و فعال افتاده ایم و آن اینکه ما جلسات

سازمان های حزبی را با اجندا ویا با برنامه واحد اختصاصی به بحث درمورد تفصیل وتفسیر مشکلات سیاست حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ارتباط تحقق سیاست آشتی ملی درعمل برگزار کردیم وحزب درجلسات دایر شده ای خود دریافتند ویا نشان دادند که اقدامات واجراءت بکار گرفته شده توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان بالای هر دو یعنی بالای اعضای حزب ومردم نفوذ مناسب قابل ملاحظه را گذاشته است ودرعین زمان حزب ، بدوش ما وظیفه ای مبنی بر بهبود اقدامات از قبل برنامه ریزی شده وبرخورد به سایر وظایف تاخیر ناپذیر رانیز گذاشت و از آن جمله یکی هم درساحه توسعه وتقویت مبنای قانونی برای سیاست آشتی ملی که در امر تحقق آن سیاست به سولات چندی از طرف رفقا مواجهه شدیم حتی تا جایکه این سولات تا حدی پیش رفت که باید بغرض ابراز نظر اشکار موضوع را به همه مردم وسازمانهای سیاسی پیشکش نمود تا آنها نظر خودرا اشکاراً بیان کنند.

برحسب حکم ویا فرمان شورای انقلابی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حزب مجوز داده است که پیشنهادات خودرا بخاطر سازماندهی ساختار مجدد سیاسی کشور ترتیب وتنظیم نماید وبغرض پیشبرد این کار یک گروپ از فعالین وکارمندان ماهر را درچارچوب دفتر نمایندگی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ایجاد شده است وبه این گروپ از کارمندان وظیفه داده شده است تا برای ایجاد یک جبهه چپ دموکراتیک پیشنهادات خودرا ترتیب وبغرض تصمیم نهایی آماده سازند.

ما اهمیت سازماندهی مصالحه را درک میکنیم که با در نظر داشت همین اصل ما این کار را بعنوان اجرای نقش گسترده ای از سازمانهای عامه ومردم در نظر میگیریم؛ بعنوان مثال اولین ابتکار از این جبهه ویا سازمانها اعم از شورای عالی مصالحه ملی وشورای علما وروحانیون تمدید آتش بس برای مدت شش ماه دیگر میباشد واز سوی دیگر ما در آینده ای قریب در نظر داریم تا پیام های توضیحی خودرا در قبال سیاستی را که ما در پیش گرفته ایم ترتیب وبه تمام احزاب برادر وسازمانهای سوسیالیست بین المللی ارسال نمایم واز آنها در زمینه طالب کمک های مناسب شویم .

ما درمورد موضوعات نظامی تصمیم گرفته ایم که مشکلات ایجاد شده توسط گروپ های آشتی ناپذیر به امر صلح ومصالحه را از جلو روی خود برداریم وبه کار وفعالیت کاروانهای حمل ونقل و ذخایر سلاحهای این دشمنان خود در مناطق ومعا بر که مورد استفاده شان است یورش برده وآنرا تخریب وبخاک یکسان نمایم ودرعین زمان اجراءت چندی را بمنظور پوشش مرزها با پاکستان وایران نیز انجام خواهیم داد و آنرا بعنوان وظیفه فراموش ناشدنی خود در نظر خواهیم گرفت . هدف ما اینست که به گروهای ضد انقلاب اجازه نمیدهیم که موضع خودرا بخصوص در مرزهای کشور مستحکم سازند وقدرت مردم را به حیث یک سد در برابر ما قرار داده از آن استفاده نمایند . تمام این پلانهای روی دست گرفته شده در برنامه کمیسیون ملی کمیته مرکزی حزب

دموکراتیک خلق افغانستان ثبت و درج شده است و ما تلاش بخرج میدهم که تمام این طرح‌های ثبت شده را در اتکا به کمک‌های رفقای شوروی خود در عمل پیاده‌نمایم. با استفاده از فرصت من می‌خواهم بهترین قدردانی خود را از حمایت و پشتیبانی نماینده و سفیر رفیق (P.P. Mozhayer) عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و مشاور کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رفیق (Kruchina) کارمند و مدیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و دیگر رفقای شوروی ابراز نمایم.

با توجه به اقدامات بزرگ و مهمی که ما آن را در پلان کاری خود گنجانیده‌ایم من در نظر دارم که در کنفرانس و کنکره سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان که قرار است در سال آینده برگزار گردد پلان و برنامه‌ای را مبنی بر تمدید مدت کار و فعالیت مشاور کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (V.P. polyannichko) در مشوره‌دهی برای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان از مقامات ذیصلاح اتحاد جماهیر شوروی تقاضا بعمل آورم.

عزیزم می‌خایم سرگیویچ ما دائماً توجه و نگرانی عمیق شما را با وجود مصروفیت‌ها و حجم کاری شما را در مورد کشور خود میدانیم که شما با وجود این همه مصروفیت‌ها گران‌بها ترین وقت خود را برای رسیدگی به امور بهبود کارها در مورد افغانستان صرف مینمایید و به همین سبب است که شما را رفقا و مردم ما بعنوان یک دوست واقعی و یک شخص مبارز در امر تامین صلح و یک شخصیت بین‌المللی می‌شناسند. تلاش‌های را که حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و مردم شوروی بخاطر شگوفای اتحاد شوروی به خرج میدهند همه‌ای آن فعالیتها بر اساس توصیه و ابتکار شما صورت می‌گیرد چونکه شما با یک شوروشوق انقلابی در پی انکشاف و بهروزی مردم شوروی هستید و از دل و جان در راه شگوفای کشورتان کار و فعالیت مینمایید؛ ما می‌خواهیم از شما یاد بگیریم که چگونه باید برای انسان کشور خود مصدر خدمت واقعی شویم و مشعل یک جامعه فارغ از هرگونه ستم را در افغانستان برای آینده‌گان خود روشن نگه داریم.

از ملاقات و جلسه که با هم در ماه دسمبر نمودیم تا حال (220) روز سپری شده است در این مدت زمان سیاست مصالحه ملی به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده است نقش و ایده و نظر شما در امر توسعه و انکشاف این پالیسی فراموش ناشدنی است و از سوی هم باید یاد آور شوم که نتایج حاصله از پلینوم ماه‌های جنوری و چون کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان واکنش گسترده را بار آورده است و من می‌خواهم که در این زمینه موفقیتی را که شما بدست آورده‌اید بشما تبریک گویم و در عین زمان خاطر نشان می‌سازم که بتاسی از تصمیم کمیسیون مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان در امر تلفیق نتایج حاصله اسناد پلینوم را به زبان‌ها دری و پشتو

ترجمه و به اختیار اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرار داده است تا آنها با مطالعه آن با تمام ابتکارات سازنده شما آشنا شوند. ابتکارات بخاطر توقف مسابقات تسلیحاتی و تضمین صلح و امنیت در سطح بین المللی؛ و ما هم به نوبه خود با ملاحظه ابتکارات صلحجویانه شما تلاش بخرج میدهیم که در مورد تعیین زمان خروج قطعات محدود نظامی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان به توافق برسیم.

ما عمیقاً از کمک و پشتیبانی بی وقفه ای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و مردم شوروی که بما و به مردم ما نموده و مینمایند اظهار قدردانی می نمایم. جلسات و گفتگوهای مابین رفقا هر یک «ادوارد شواردنازی»؛ «ای. اف. دوبری نین» (A.F. Dobrynin) و دیگر رفقای شوروی و همچنان دید و بازدیدهای ما با هیئاتهای مختلف اتحاد جماهیر شوروی بسیار مهم و در خور اهمیت بود و ما با اینگونه ملاقاتها ارج میگذاریم - ما از کمک های دوامدار و دایمی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی که به افغانستان مینماید کاملاً مطلع و آگاه هستیم و این همه کمکها باعث اعتماد و باور ما به دوستی مردم شوروی میشود که در تفاهم باهم تلاش های ما بخاطر ایجاد یک افغانستان آزاد و مستقل و غیر منسلک بی ثمر نخواهد ماند و دوستی ما برای همیشه با اتحاد شوروی باقی خواهد ماند.

میخایل سرگیویچ گربا چف: من به نوبه خود میخواهم وضعیتی را که ما با آن مواجهه هستیم بطور فشرده توضیح دهم:

اطلاعات شما طور تصادفی مجدداً نقاط نظری را از دیدگاههای مواردی که در افغانستان چه اتفاق می افتد و اقداماتی را که باید حزب دموکراتیک خلق افغانستان در چارچوب طرح جدید از سیاست آشتی ملی پیاده کند تا بید میکند.

رفیق نجیب شما باید بدانید و آن اینکه مسولیت عظیمی که به دوش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی قرار دارد مشکلات داخلی و خارجی در ساحه سیاست کشور ما موضوع افغانستان است؛ مسولیت سترگ که همیشه در جلوروی ما قرار گرفته است و توجه همیشگی ما را بخود جلب کرده است و ما نمیخواهیم که همچو مشکلات را وقتاً فوقتاً به رخ شما بکشیم بلکه ما این مسایل را اغلباً در دفتر سیاسی حزب خود مورد بحث قرار میدهیم.

از آنجا که ما و شما در ارتباط به توسعه و انکشاف وضعیت افغانستان یک مرحله جدیدی را باز کرده ایم، کمیسیون دفتر سیاسی حزب ما به رهبری ادوارد شواردنازی کار را از سر آغاز کرده است و علاوه از دفتر سیاسی حزب ما، دولت شوروی، دفتر اجرایی کمیته مرکزی حزب و سایر سازمانها و ادارات ما توجه جدی خود را به پرابلمهای موجود در افغانستان مبذول داشته و صرف وقت گرانبهای خود را به آن اختصاص داده اند. از سوی دیگر ما بدنبال از موقعیت ریشوی منافع اتحاد جماهیر شوروی که با منافع دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان همخوانی دارد میباشیم و در قدم نخست از

همه مهمتر این پالیسی منافع ریشوی با توجه به افغانستان ؛ سیاست امروزی و آینده را تعیین میکند ما قبلاً نیز به افغانستان احترام گذاشته ایم مثل در عصر زمان ولادیمیر ایلیچ لینن .

اما در اینجا برخی عوامل دیگری نیز وجود دارد که نباید آن عوامل را بدست کم گرفت و یا به آن ارزش نداد از جمله جنگ داخلی در افغانستان و حضور نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی. ولی روابط بین ما یک وصف و کرکتر مختص با خود را بار آورده است و ما را مجبور ساخته است که بطور پیگیر به پاسخ هرگونه سوالاتی در راستای روابط بین افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی پاسخ همه جا ندهیم - ما با دقت همه جانبه به اطلاعات ارایه شده توسط شما گوش فرا دادیم و ما از اطلاعات و گذارستان ارایه شده شما نتیجه ای را که بدست آوردیم حاکی از آن است که باید هر دوی ما با هم یکجا بخاطر تحقق سیاست آشتی ملی کار و مبارزه کنیم چونکه هر دوی ما میدانیم که بیرون رفتن از معضله کنونی افغانستان گزینه نظامی نیست یعنی از راه نظامی معضله افغانستان حل و فصل نمیشود . ما در شخص رفیق نجیب اوصاف یک رهبر سیاسی را بوضوح می بینیم کسی که عمق پر ابلم را با هوشیاری درک میکند و برای تعیین سرنوشت صلح آمیز و بهبود کشور خود سیاست مصالحه ملی را برگزیده و در راه تحقق آن با شور انقلابی مبارزه میکند. - و از طرف دیگر لازم به یادآوری است که سیاست آشتی ملی نه تنها با دلگرمی از طرف اغلب مردم افغانستان حمایت میشود بلکه این سیاست اکنون مورد حمایت اکثر نیروهای ترقیخواه در جهان در حلقهات سیاسی محافل و اقیعتگرایان و کسانیکه واقعاً به حل معضلات سیاسی کنونی افغانستان علاقمند اند قرار گرفته است. و از سوی دیگر میتوان گفت هستند کسانی که در راه تحقق آشتی ملی موانع خلق میکنند چه که این کسان ضد انقلابیون اند و یا محرکین و آشوبگران در داخل حزب دموکراتیک خلق افغانستان که بصورت آگاهانه و یا غیر آگاهانه نمیخواهند که در راه تحقق این آرمان ملی مبارزه و فعالیت نمایند که نباید از آن شوکه شد چونکه ما و شما در مجموع این وضعیت را از قبل پیش بینی کرده بودیم بدون هراس باید اذعان کرد که بجز از حزب دموکراتیک خلق افغانستان دیگر هیچ کس و یا کسانی در داخل و در خارج افغانستان وجود نخواهد داشت که بغیر از طرح سیاست آشتی ملی جاگزین و یا الترناتیف دیگری را بغرض حل معضله کنونی افغانستان پیشنهاد و یا پیشکش نماید. این خود یک واقیت انکارناپذیر است و باید اذعان کرد که مردم افغانستان این اصطلاح را که ما بکار می بریم آنرا آموخته اند ، مردم افغانستان از جنگ خسته شده اند ، آنها صلح و آرامش میخواهند . این اصل ترین چیزی و یا خواسته ای است اما کدام یکی از این خواسته ها مناسب نیست مرا از بکار بردن کلمات زشت به ادرس شورشیان و کسانیکه تنها مصروف پنهانکاری از فعالیت های نا پسند خود هستند ببخشید .

بخش اصلی رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان فعالیت های خود را در امر تحقق

سیاست آشتی ملی متمرکز ساخته اند و افغانستان در حال و احوال موجود نیاز به همچو اشخاص دلسوز و کارکن دارد و این اشخاص برای فردای این کشور نیز ضرور میباید شد اجازه دهید که در این مورد بگویم: معیارهای اصلی برای ارزیابی ویژه گی های سیاسی و حرفه ای کارگران مختلف به سطح و میزان نگرش آنها از سیاست آشتی ملی بستگی دارد و من در این مورد بر همین اصل ایستادگی و پافشاری می نمایم چونکه عمده ترین اصل همین اصل است و در اینجا هیچ جای شک و تردید به ارتباط بهبود و صحت یا بی افغانستان بجز از تحقق سیاست آشتی ملی چیزی دیگری را نمیتوان جایگزین چنین سیاستی ساخت.

آنچه که میتوان در مورد نقش حزب دموکراتیک خلق افغانستان به ارتباط سیاست آشتی ملی سخن زد این است که این حزب بدون شک و تردید در امر تحقق مصلحت ملی به حیث یک نیروی رهبری کننده میباید که با پیاده کردن این برنامه قدرت و اقتدار خود را نیز بیشتر میسازد البته که توسعه این قدرت و اعتبار حزب بگونه متضاد اما با در نظر داشت اسلوب دیالکتیکی در حال توسعه خواهد بود و آن به این مفهوم که اگر از یک طرف حزب پایه های اجتماعی خود را در بین مردم مستحکم میسازد اما از طرف دیگر با اتخاذ سیاست ایجاد دولت ائتلافی از میزان قدرت و اقتدار خود خواهد کاست ولی این کاهش قدرت تنها ظاهری خواهد بود نه واقعی چونکه در حال حاضر اقتدار و اعتبار واقعی حزب در بین مردم شکل گرفته است و ضرور است که نباید احساس شکست را آنها بیکه در رهبری این حزب موضوع سیاست آشتی ملی را درست درک کرده اند بخود راه دهند - با وجودیکه نیروی های نظامی ما در افغانستان حضور دارند روند آشتی ملی نیاز مبرم به حرکت و جهش دارد که این خود خواسته حزب دموکراتیک خلق افغانستان است نه خواسته و یا تقاضای شورشیان، از سوی دیگر پتانسیل آشتی ملی بعید از خستگی و در ماندگی باید باشد و لازم پنداشته میشود که از این پتانسیل به حد اکثر استفاده بعمل آید چونکه بدیل و یا جایگزین سیاست آشتی ملی را نمیتوان سراغ کرد و یا هرگونه الترناتیف دیگر ناممکن به نظر می آید و هرگونه ناامیدی و احساس شکست در این مورد غیر مجاز میباید شد و تحرک جدید بخاطر بکار انداختن و پیشبرد مصلحت ملی یک نیاز مبرم است لطفاً این نظریه و ایده ای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را به تمام رهبران و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیئات رهبری دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بگوید.

در حال حاضر لازم است که سیاست آشتی ملی بطور قاطع و بشکل سیستماتیک در بین مردم ترویج و روشن ساخته شود یعنی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان از همین اکنون بخاطر اندوخته ها در آینده دست بکار شود و با استفاده از فرصت های واقعی مبنی بر حضور خود در تمام زمینه های جامعه افغانستان فعالیت کند. چونکه این حزب

اکنون فاقد آن است .

ما با دقت همه جانبه در باره ای چیزهای که شما ارایه کردید که در آینده چه باید بکنیم گوش فرا دادیم و ما حاضر و آماده هستیم که شما را در همه موارد کمک نمایم ولی اطلاعاتی که بدست می رسیده حاکی از آن است که هرچه تصمیماتی که در کابل اتخاذ شده است و یا میشود از سیرآب شدن ریشه علف ها کاسته میشود یعنی نمیگذارند تا ریشه علف ها از آب سیرآب شود .

هنگامیکه ما در مورد مرحله دوم از سیاست آشتی ملی صحبت میکنیم به مفهوم آن است که کار ما در مرحله دوم بتاریخ (14) ماه جولای آغاز میشود یعنی این همان روزی است که دولت افغانستان آماده گی خود را برای گسترش آتش بس و تنها با قطع عملیات های نظامی در نشان دادن واکنش طرف مقابل اعلام کرد - پس واضح است که در مرحله دوم سیاست آشتی ملی سوال به میان آمدن عملی تشکیل یک دولت ائتلافی و ایجاد احزاب دیگر و جبهه چپ دموکراتیک پیش می آید.

شما نمیتوانید از همکاری آنها بخواهید نظر و ایده خود را با نقاط نظر شما به اشتراک گذارند انصراف نماید و یا همکاریهای آنها را رد نماید بلکه برعکس شما باید بطور واقعی در امر ایجاد یک پلورالیزم در جامعه و در ساختارهای دولتی متعهد باقی بمانید که این خود از لحاظ تاکتیکی شاید استدلال درستی بخاطر پیوستن این نیروها در هماهنگی با شما در تحقق پالیسی آشتی ملی و پایان دادن به عملیات های نظامی عامل مشترک محسوب شود.

شما در مورد اصول و اساسات اولتاریزم (Volunteerism = } صرف وقت و انرژی به نفع دیگران در جامعه بعنوان احساس مسولیت اجتماعی و نه برای پاداش مالی..... از ویکی پدیا توسط این قلم) صحبت کردید من به این عقیده هستم که این دواطلبان باید از هر طریقی که میشود تشویق شوند تا آنها بطور پیگیر و بگونه خاص در ساخت و سازها قدرت سیاسی سهم فعال گیرند و لازم دیده نمیشود که احزاب جدید دیگر با بلند کردن صدای بلند در حمایت از شوروی ایجاد شوند برای آنها این کاملاً کافی خواهد بود که به معادل تشخیص حضور قوت های نظامی شوروی مستقر در افغانستان بیا نندیشند بگذار که آنها همچو اندیشه هارا با خود داشته باشند اما زمانیکه ساختارها و یا تشکیلات سازمانی همچو احزاب رسماً ثبت نام میشوند سفارت ما با شما به تماس خواهد آمد تا برنامه گفت و شنید را به همچو احزاب سازماندهی کند.

اکنون لازم میدانم تا چند کلمه در مورد وظایف خاص در این مرحله از سیاست آشتی ملی به زبان آورم و آن اینکه ضرور پنداشته میشود که هرچه سریعتر در مورد موضوع تعیین ریس تصمیم صورت گیرد و تا آنجاییکه ما از وضعیت فعلی درک و فهم داریم - ما دیگر هیچ یک از کاندیدی را بجز از رفیق نجیب به این مقام مناسب نمیدانیم و یا اصلاً

همچو کاندید بجز از رفیق نجیب وجود ندارد بلی رفقا من امیدوارم که با من در این خصوص هم نظر و هم‌رار باشند با رغم این واقعیت که روند درک و فهم آن توأم با مشکلات و موانع نیز می‌باشد بخصوص در مواجهه شدن با نماینده گان اصلی رهبری از جمله { نخست وزیر رفیق سلطان علی کشتمند } که آیا از ایده و نظر ما حمایت خواهد کرد. و از سوی دیگر بسیار درخور اهمیت می‌باشد که کادرهای مناسب و آگاه را چگونه در مقام های حزبی و دولتی تعیین و جابجا کرد همه این کارها باید انجام شود و کار بخاطر تسوید و طرح قانون اساسی در آینده نه چندان دور باید آغاز شود که این همه کارها و وظایف شامل مرحله دوم سیاست آشتنی ملی می‌باشد.

من کاملاً موافقم که باید بحث بروی ایجاد یک دولت انتقالی طوری صورت گیرد که با شرایط موجود همخوانی عملی داشته باشد و بطور دقیق و با فکر رسا و اندیشمنا نه مراحل را در نظر گرفت چونکه نیاز زمان است و درخور اهمیت خواهد بود تا مخالفین را بخاطر ایجاد دولت ایتلافی به بحث و گفت و شنود فرا خواند و نیز ضرورت آن دیده میشود که بروی گزینه های مختلف صحبت و گفتگو صورت گیرد و بخصوص بالای گزینه ها که ما و شما هر دو در ایجاد دولت ایتلافی به آن موافقه کردیم جای یاد آوری است که باید در دولت ایتلافی از چهره های دعوت به عمل آورده شود که آنها صاحب قدرت و نفوذ و اعتبار در بین مردم باشند تا با تشریک مساعی آنها پالیسی آشتنی ملی تحقق یابد و یا روند تحقق مصالحه سهل شود و نه آن مردم را که آنها چه کسانی هستند.

من فکر میکنم که تاکتیک تقاضا از طرف مردم به مخالفین خود یک توجیهی مناسب است و این خود بیشتر موثر خواهد بود که اگر سهمگیری مخالفین در دولت ایتلافی با در نظر داشت تخصص کاری و حرفه ای آنها در مقامات و پست های خاص در تشکیلات دولت مد نظر گرفته شود؛ از سوی دیگر این خواسته و تقاضا مبنی به اشتراک مخالفین در بدنه دولت خود زمینه انشعاب و چندگانگی را در بین مخالفین مساعد میسازد چونکه به گمان اغلب این فرا خون از سوی رهبران مخالفین رد خواهد شد ولی اعضای عادی و معتدل مخالفین از این فراخوان و تقاضا استقبال بعمل خواهند آورد. که باید در این مورد اندیشمندان نه کار و فعالیت کرد و افزون بر آن در مورد عطای دو و یا سه مقام ارشد دولتی به رهبران مخالفین نیز همه جانبه باید اندیشید و آن اینکه این تقاضا و یا فراخوان از آنها به این مقامات دولتی باید واقعی باشد و نه یک بازی سیاسی. ما بطور کامل از برنامه های شما و از تماس های دایمی شما با مراکز مخالفین در خارج از کشور آگاه هستیم و از همچو برنامه شما حمایت میکنیم و ما این فرصت را داریم که شما را در این قسمت کمک همه جانبه بنماییم.

رفیق **نجیب**؛ درست است که می‌گویید، مرحله کنونی آشتنی ملی نیازمند برخوردهای جدید و ترک روش های کلیشه ای که بعضی ها می‌خواهند آن روشها را حفظ کنند می‌باشد

و این یک واقعیت انکارناپذیر است که شما می‌خواهید بخاطر هرچه متحد و یک پارچه شدن اعضای سالم حزب؛ کنفرانس حزب را دایر نماید ما در این بخش نیز آماده هر نوع کمک هستیم.

اما برخی از مسایل بویژه در رابطه با سیاست نظامی را میتوان نیز به بحث گرفت و موضوعاتی را که شما در این رابطه مطرح نمودید نیاز به تحلیل و تجزیه عمیق دارد و ما باید پیرامون آن با هم یکجا با فکر رسا و آرام تصمیم اتخاذ نمایم.

من می‌خواهم در اینجا یک موضوع دیگری را مورد توجه قرار دهم و آن اینکه سیاست به ارتباط مسایل اردو (ارتش) هما طوریکه امروز دنبال میشود نه مناسب بحال شما و نه مناسب بحال ما است. اما زمانیکه ما می‌خواهیم در مورد آن رسیدگی نمایم و یا اگر بخواهم که به ارتباط آن به بحث پردازیم و آنهم که تا هنوز نیروهای نظامی ما در افغانستان حضور دارند کار بهتری خواهد بود - من باشما در این مورد موافقم که ما نیاز به بهبود کیفیت آموزش نظامی و بویژه در بخش آموزش و فراگیری مهارت های خوب جنگی برای نیروها و جزو تمام های (کماندوی) داریم که باید در سرخط کاریهای اصلاحی ما قرار داشته باشد و اشدأ به آن توجه صورت گیرد.

نجیب: مرا ببخشید از اینکه در صحبت شما داخل شدم و یا صحبت شمارا مختل نمودم. میخایل سرگیویچ: من تعجب میکنم که در مدت هشت سال مبارزه و فعالیت ما هنگامیکه «کارمل» فرمانده عالی قوای مسلح بوده هیچ کاری قابل ملاحظه به پیش برده نشده است. و ما هشت سال را به هدر از دست دادیم.

میخایل سرگیویچ گربا چف: به نظر من مهم است که نباید به مناظره و بحث بین جناح های خلق و پرچم اجازه داده شود که زخمهای کهنه را بازکنند این پیام و گوشزد ما را به رفقای خود برسانید و به آنها بگوید که اگر به همچو گفتگوهای بی حاصل می پردازید کاری بجز خنجر زدن به زخمهای کهنه صعب العلاج چیزی دیگری نخواهد بود. چونکه این خود به امر وحدت و یکبارچگی حزب خیانت و خود کشی است.

ما بیشتر تحت تاثیر شما قرار میگیریم که شما به ارتباط سیاست قومی دست به چگونه اقداماتی میزنید آیا با یک روش محتاطانه و اندیشمنانه؟ چونکه فوق العاده حساس و مهم است.

در مورد مسایل بین المللی هما طوریکه قبلاً از آن ذکر بعمل آوردیم؛ ما با توجه به اهداف مشترک ما و آن تغییراتی را که در افغانستان می‌خواهیم و یا خواهان آنگونه تغییرات هستیم در این زمینه با شما آماده هر نوع کمک میباشیم.

ما در اعمار و ایجاد مناسبات و روابط خوب بین کشورهای ما، خشت محکم و استوار را میگذاریم.

و در نهایت امر من می‌خواهم دوباره توجه شمارا به نیاز حد اکثر استفاده بردن از حضور

موقت نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان جلب نمایم بطوریکه سیاست آشتی ملی بتواند نتایجی را که شما خواهان آن هستید بدست آورید ما این محاسبه را از اول جنوری همین سال جاری بحساب میگیریم .

نجیب: تاکنون هفت ماه سپری شد .

میخایل سرگیویچ گرباچف: بلی زمان بسرعت میگذرد و ما باید از آن حد اکثر استفاده نمایم ؛ همانطوریکه قبلاً رهبران اتحاد جماهیر شوروی موضوع افغانستان را در عطف توجه خود اولویت میدادند ما نیز باید به آن اولویت بدهیم .

لطفاً تمنیات نیک رهبری اتحاد جماهیر شوروی را به تمام رفقای خود برسانید .

ما از شما رفیق **نجیب** دعوت بعمل می آوریم که در جشن هفتادمین (70) سالگرد

انقلاب اکتوبر بعنوان ریس هیئت نمایندگی افغانستان اشتراک نماید .

من میخواهم چگونگی امکان اجرای یک برنامه پرواز مشترک فضانوردان شوروی و افغان را در توافق با شما بدانم البته که اطلاعات لازم در این مورد را در جلسه ای امروزی ما که در اجندای جلسه گرفته شده است بدست خواهیم آورد .

نجیب: شما میخایل سرگیویچ ؛ ابتکار عمل را از من به پیشی گرفتید من نیز میخواستم این ایده و نظر را به شما پیشنهاد نمایم ؛ مشکل این است که استفاده از موشک های سطح به هوا توسط ضد انقلابیون بویژه پرتاب موشکهای نوع **ستانگر** به روحیه ای پیلوتان ما تاثیر نمیگذارد یعنی که روحیه ای این رزمندگان قوی ما را تضعیف نمیکند اما چشم انداز پرواز مشترک فضایی ما روحیه آنها را بیشتر تر نیرومند خواهد ساخت و بالای روحیه ای رزمی آنها تاثیر بسزای خواهد گذاشت .

میخایل سرگیویچ گرباچف: به پاکستان باید خاطر نشان ساخته شود که بازی با موشک های **ستانگر** قلمرو شما را نیز از گزند در امان نخواهد گذاشت .

نجیب: من این کار را بدون شک انجام خواهم داد .

میخایل سرگیویچ گرباچف: ما تنها یک راه و یک مسیر داریم و آنهم به جلو من از دیدن شما خوشحالم من خوشحالم که شما نه تنها از نظر فزیک منحصراً بهره مند هستید بلکه خوشحالم از اینکه شما پرابلماها را با عمق آن درک درست میکنید ، پرابلماهای که در گذشته همراه با دروغ و کذب بود- من اطمینان کامل دارم که هیئت رهبری افغان و مردم افغانستان در تحت رهبری شما با هم متحد خواهند شد - شما فرصتی برای استراحت دارید اگر میخواهید چیزهای را در اینجا مشاهده کنید و یا اگر میخواهد با رفقای شوروی دید و بازدید نماید ما میتوانیم در این مورد برای وقت فراغت شما برنامه ای مشخص تنظیم نمایم .

نجیب: خیلی ممنون ؛ جلسه ای امروزی عالی بود ؛ و برای من جای افتخار و مبالغات

است که باشما بودم من نتایج حاصله از این بازدید خود را باشما در کنفرانس قریب الوقوع حزب دموکراتیک افغانستان به همه اعضای حزب و نمایندگان آنها در میان خواهیم گذاشت و از آن در پیشبرد وظایف محوله ای خود استفاده بعمل خواهیم آورد ؛ من بطور اشکار میخوام بگویم : که چنین جلسات و بازدیدها با شما رفقای ارشد همیشه بطور خاص برای من آموزنده و مفید است ؛ من به شما اطمینان میدهم که به صفت یک دانشجوی وفادر به مکتب لنینیستی باقی خواهم ماند .

من دعوت شما را بغرض اشتراک در جشن سترگ اکتوبر با قدردانی و سپاس می پذیرم و از شما تشکر مینمایم ؛ لطفاً ارزوهای نیک مرا برای سلامتی ؛ موفقیت و رفاه برای خود و برای خانواده خود بپذیرد .

دوام دارد

قسمت چهارم در آینده